

کتاب اشعیای نبی

رویای اشعیای ابن آموص که آن را درباره یهودا و اورشلیم، در روزهای عزّیا و یوتام و آحاز و حزقیاء، پادشاهان یهودا دید.

ای آسمان بشنو و ای زمین گوش بگیر زیرا خداوند سخن می‌گوید. پسران پروردم و برافراشتم اما ایشان بر من عصیان ورزیدند. گاو مالک خویش را و الاغ آخور صاحب خود را می‌شناسد اما اسرائیل نمی‌شناسد و قوم من فهم ندارند.

وای بر امت خطاکار و قومی که زیر بار گناه می‌باشند و بر ذریت شیران و پسران مفسد. خداوند را ترک کردند و قدّوس اسرائیل را اهانت نمودند و به سوی عقب منحرف شدند. چرا دیگر ضرب یابید و زیاده فتنه نمایید؟ تمامی سر بیمار است و تمامی دل مریض. از کف پا تا به سر در آن تندرستی نیست بلکه جراحی و کوفتگی و زخم متعفن است که نه بخیه شده و نه بسته گشته و نه با روغن التیام شده است. ولایت شما ویران و شهرهای شما به آتش سوخته شده است. غریبان، زمین شما را در نظر شما می‌خورند و آن مثل واژگونی بیگانه‌گان خراب گردیده است و دختر صهیون مثل سابه‌بان در تاکستان و مانند کپر در بوستان خیار و مثل شهر محاصره شده متروک است. اگر یهوه صباپوت بقیه‌ی اندکی برای ما وانمی‌گذاشت، مثل سدوم می‌شدیم و مانند عموره می‌گشتیم.

ای حاکمان سدوم کلام خداوند را بشنوید و ای قوم عموره شریعت خدای ما را گوش بگیرید. خداوند می‌گوید از کثرت قربانی‌های شما مرا چه فایده است؟ از قربانی‌های سوختنی فوچ‌ها و پیه پرواری‌ها سیر شده‌ام و به خون گاو و بره‌ها و بزها رغبت ندارم. وقتی که می‌آیید تا به حضور من حاضر شوید کیست که این را از دست شما طلبیده است که درباره مرا پایمال کنید؟ هدایای باطل دیگر می‌آورید. بخور نزد من مکروه است و غره ماه و سبّ و دعوت جماعت نیز. گناه را با محفل مقدّس نمی‌توانم تحمل نمایم. غره‌ها و عیدهای شما را جان من نفرت دارد؛ آن‌ها برای من بار سنگین است که از تحمل نمودنش خسته شده‌ام. هنگامی که دست‌های خود را دراز می‌کنید چشمان خود را از شما خواهم پوشانید و چون دعای بسیار می‌کنید اجابت نخواهم نمود زیرا که دست‌های شما پر از خون است. خویشتن را شسته، طاهر نمایید و بدی اعمال خویش را از نظر من دور کرده، از شرارت دست بردارید. نیکوکاری را بیاموزید و انصاف را بطلبید. مظلومان را رهایی دهید، یتیمان را دادرسی کنید و بیوه زنان را حمایت نمایید. خداوند می‌گوید: «بیاید تا با همدیگر محاجه نمایم. اگر گناهان شما مثل ارغوان باشد مانند برف سفید خواهد شد و اگر مثل قرمز

سرخ باشد مانند پشم خواهد شد. اگر خواهش داشته، اطاعت نمایید، نیکویی زمین را خواهید خورد. اما اگر ابا نموده، تمرّد کنید، شمشیر شما را خواهد خورد»، زیرا که دهان خداوند چنین می‌گوید.

شهر امین چه‌گونه زانیه شده است. آنکه از انصاف مملو می‌بود و عدالت در وی سکونت می‌داشت، اما حال قاتلان. نقره تو به دُرد مبدل شده و شراب تو از آب ممزوج گشته است. سروران تو متمرّد شده و رفیق دزدان گردیده، هریک از ایشان رشوه را دوست می‌دارند و در پی هدایا می‌روند. یتیمان را دادرسی نمی‌نمایند و دعوی بیوه زنان نزد ایشان نمی‌رسد. بنا بر این، خداوند یهوه صباوت قدیر اسرائیل می‌گوید: هان من از خصمان خود استراحت خواهم یافت و از دشمنان خویش انتقام خواهم کشید و دست خود را بر تو برگردانیده، دُرد تو را بالکلّ پاک خواهم کرد و تمامی ریمات را دور خواهم ساخت و داوران تو را مثل اول و مشیران تو را مثل ابتدا خواهم برگردانید و بعد از آن به شهر عدالت و قریه امین مسمّی خواهی شد. صهیون به انصاف فدیّه داده خواهد شد و انابت کننده‌گانش به عدالت و هلاکت عاصیان و گناهکاران با هم خواهد شد و آنانی که خداوند را ترک نمایند نابود خواهند گردید. زیرا ایشان از درختان بلوطی که شما خواسته بودید خجل خواهند شد و از باغاتی که شما برگزیده‌بودید رسوا خواهند گردید. زیرا شما مثل بلوطی که برگش پژمرده و مانند باغی که آب نداشته باشد خواهید شد و مرد زورآور پُرزّه کتان و عملش شعله خواهد شد و هر دوی آنها با هم سوخته خواهند گردید و خاموش کننده‌ای نخواهد بود.

درباره‌ی یهودا و اورشلیم

و در ایام آخر واقع خواهد شد که کوه خانه خداوند برقله کوه‌ها ثابت خواهد شد و فوق تله‌ها برافراشته خواهد گردید و جمیع امّت‌ها به‌سوی آن روان خواهند شد و قوم‌های بسیار عزیمت کرده، خواهند گفت: «بیایید تا به کوه خداوند و به خانه خدای یعقوب برآییم تا طریق‌های خویش را به ما تعلیم دهد و به راه‌های وی سلوک نماییم.» زیرا که شریعت از صهیون و کلام خداوند از اورشلیم صادر خواهد شد و او امّت‌ها را داور می‌خواهد نمود و قوم‌های بسیاری را تنبیه خواهد کرد و ایشان شمشیرهای خود را برای گاو آهن و نیزه‌های خویش را برای ارّه‌ها خواهند شکست و امّتی بر امّتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت. – ای خاندان یعقوب بیایید تا در نور خداوند سلوک نماییم.

روز خداوند

زیرا قوم خود یعنی خاندان یعقوب را ترك کرده‌ای، چون‌که از رسوم مشرقی مملو و مانند فلسطینیان فالگیر شده‌اند و با پسران غربا دست زده‌اند و زمین ایشان از نقره و طلا پر شده و خزاین ایشان را انتهای نیست و زمین ایشان از اسبان پر است و ارابه‌های ایشان را انتهای نیست؛ و زمین ایشان از بت‌ها پر است؛ صنعت دست‌های خویش را که به انگشت‌های خود ساخته‌اند سجده می‌نمایند. و مردم خم شده و مردان پست می‌شوند. لهذا ایشان را نخواهی آمرزید. از ترس خداوند و از کبریای جلال وی به صخره داخل شده، خویشتن را در خاک پنهان کن. چشمان بلند انسان پست و تکبر مردان خم خواهد شد و در آن روز خداوند به تنهایی متعال خواهد بود. زیرا که برای یهوه صباوت روزی است که بر هر چیز بلند و عالی خواهد آمد و بر هر چیز مرتفع، و آن‌ها پست خواهد شد؛ و بر همه سروهای آزاد بلند و رفیع لبنان و بر تمامی بلوط‌های باشان؛ و بر همه کوه‌های عالی و بر جمیع تل‌های بلند؛ و بر هر برج مرتفع و بر هر حصار منیع؛ و بر همه کشتی‌های ترشیش و بر همه مصنوعات مرغوب؛ و کبریای انسان خم می‌شود و تکبر مردان پست خواهد شد و در آن روز خداوند به تنهایی متعال خواهد بود، و بت‌ها بالکل تلف خواهند شد و ایشان به مغاره‌های صخره‌ها و حفره‌های خاک داخل خواهند شد، به سبب ترس خداوند و کبریای جلال وی هنگامی که او برخیزد تا زمین را متزلزل سازد. در آن روز مردمان، بت‌های نقره و بت‌های طلا خود را که برای عبادت خویش ساخته‌اند نزد موش‌کوران و خفاش‌ها خواهند انداخت تا به مغاره‌های صخره‌ها و شکاف‌های سنگ خارا داخل شوند، به سبب ترس خداوند و کبریای جلال وی هنگامی که او برخیزد تا زمین را متزلزل سازد. شما از انسانی که نفس او در بینی‌اش می‌باشد، دست برکشید زیرا که او به چه چیز محسوب می‌شود؟

زیرا اینک خداوند یهوه صباوت پایه و رکن را از اورشلیم و یهودا، یعنی تمامی پایه‌ی نان و تمامی پایه‌ی آب را دور خواهد کرد و شجاعان و مردان جنگی و داوران و انبیا و فالگیران و مشایخ را و سرداران پنجاهه و شریفان و مشیران و صنعت‌گران ماهر و ساحران حاذق را و اطفال را بر ایشان حاکم خواهیم ساخت و کودکان بر ایشان حکمرانی خواهند نمود. و قوم مظلوم خواهند شد، هرکس از دست دیگری و هر شخص از همسایه‌ی خویش و اطفال بر پیران و پستان بر شریفان تمرّد خواهند نمود. چون شخصی به برادر خویش در خانه پدرش متمسک شده، بگوید: «تو را رُخوت هست؟ پس حاکم ما شو و این خرابی در زیر دست تو باشد» در آن روز او آواز خود را بلند کرده، خواهد گفت: «من علاج‌کننده نتوانم شد زیرا در خانه من نه نان و نه لباس است پس مرا حاکم قوم مسازید. زیرا اورشلیم خراب شده و یهودا منهدم گشته است از آن جهت که زبان و

افعال ایشان به ضدّ خداوند می‌باشد تا چشمان جلال او را به ننگ آورند. سیمای روی‌های ایشان به ضدّ ایشان شاهد است و مثل سدوم گناهان خود رافاش کرده، آن‌ها را مخفی نمی‌دارند. وای بر جان‌های ایشان زیرا که به جهت خویشتن شرارت را بعمل آورده‌اند. عادلان را بگویند که ایشان را سعادت‌مندی خواهد بود زیرا از ثمره اعمال خویش خواهند خورد. وای بر شریران که ایشان را بدی خواهد بود چون‌که مکافات دست ایشان به ایشان کرده خواهد شد.

و اما قوم من، کودکان بر ایشان ظلم می‌کنند و زنان بر ایشان حکمرانی می‌نمایند. ای قوم من، راهنمایان شما گمراه‌کنندگان‌اند و طریق راه‌های شما را خراب می‌کنند. خداوند برای مُحاجّه برخاسته و به جهت داوری قوم‌ها ایستاده است. خداوند با مشایخ قوم خود و سروران ایشان به محاکمه در خواهد آمد، زیرا شما هستید که تاکستان‌ها را خورده‌اید و غارت فقیران در خانه‌های شما است. خداوند یهوه صباپوت می‌گوید: «شما را چه شده است که قوم مرا می‌گویند و روی‌های فقیران را خرد می‌نمایید؟ خداوند می‌گوید: «از این جهت که دختران صهیون متکبرند و با گردن افراشته و غمزات چشم راه می‌روند و به ناز می‌خرامند و به پاهای خویش خلخال‌ها را به صدا می‌آورند.» بنابراین خداوند فرق سر دختران صهیون را گل خواهد ساخت و خداوند عورت ایشان را برهنه خواهد نمود و در آن روز خداوند زینت خلخال‌ها و پیشانی‌بندها و هلال‌ها را دور خواهد کرد و گوشواره‌ها و دستبندها و روبنده‌ها را، و دستارها و زنجیرها و کمربندها و عطردان‌ها و تعویذها را، و انگشترها و حلقه‌های بینی را، و رخت‌های نفیسه و رداها و شال‌ها و کیسه‌ها را، و آینه‌ها و کتان نازک و عمامه‌ها و بُرّعه‌ها را و واقع می‌شود که به عوض عطریات، عفونت خواهد شد و به عوض کمربند، ریسمان و به عوض موی‌های بافته، گلی و به عوض سینه‌بند، زئار پلاس و به عوض زیبایی، سوختگی خواهد بود. مردانت به شمشیر و شجاعانت در جنگ خواهند افتاد. و دروازه‌های وی ناله و ماتم خواهند کرد، و او خراب شده، بر زمین خواهد نشست.

و در آن روز هفت زن به یک مرد متمسک شده، خواهند گفت: «نان خود را خواهیم خورد و رخت خود را خواهیم پوشید، فقط نام تو بر ما خوانده شود و عار ما را بردار.» در آن روز شاخه خداوند زیبا و جلیل و میوه زمین به جهت ناجیان اسرائیل فخر و زینت خواهد بود. و واقع می‌شود که هرکه در صهیون باقی ماند و هر که در اورشلیم ترک شود مقدّس خوانده خواهد شد یعنی هرکه در اورشلیم در دفتر حیات مکتوب باشد. هنگامی که خداوند چرک دختران صهیون را بشوید و خون اورشلیم را به روح انصاف و روح سوختگی را از میانش رفع نماید، خداوند بر جمیع مساکن کوه صهیون و بر محفل‌هایش ابر و دود در روز و درخشندگی آتش مشتعل در شب خواهد آفرید زیرا که بر تمامی جلال آن پوششی خواهد

بود و در وقت روز سایه‌بانی به جهت سایه از گرما و به جهت ملجاء و پناهگاه از توفان و باران خواهد بود.

سرود محبوب

سرود محبوب خود را دربارهٔ تاختستانش برای محبوب خود بسرایم. محبوب من تاختستانی در تلی بسیار بارور داشت و آن را کنده از سنگ‌ها پاک کرده و مو بهترین در آن غرس نمود و برجی در میانش بنا کرد و چرخستی نیز در آن کند. پس منتظر می‌بود تا انگور بیاورد؛ اما انگور بد آورد. پس الآن ای ساکنان اورشلیم و مردان یهودا، در میان من و تاختستان من حکم کنید. برای تاختستان من دیگر چه توان کرد که در آن نکردم؟ پس چون منتظر بودم که انگور بیاورد، چرا انگور بد آورد؟ لهذا الآن شما را اعلام می‌نمایم که من به تاختستان خود چه خواهم کرد. حصارش را برمی‌دارم و چراگاه خواهد شد؛ و دیوارش را منهدم می‌سازم و پایمال خواهد گردید. آن را خراب می‌کنم که نه پازش و نه کنده خواهد شد و خار و خس در آن خواهد رویید و ابرها را امر می‌فرمایم که بر آن باران نیارند. زیرا که تاختستان یهوه صبایوت خاندان اسرائیل است و مردان یهودا نهال شادمانی او می‌باشند و برای انصاف انتظار کشید و اینک تعدی و برای عدالت و اینک فریاد شد.

داوری

وای بر آنانی که خانه را به خانه ملحق و مزرعه را به مزرعه ملصق سازند تا مکانی باقی نماند. و شما در میان زمین به تنهایی ساکن می‌شوید. یهوه صبایوت در گوش من گفت: «به درستی که خانه‌های بسیار خراب خواهد شد و خانه‌های بزرگ و خوش‌نما غیرمسکون خواهد گردید. زیرا که ده جفت گاو زمین یک بت خواهد آورد و یک حומר تخم یک ایفه خواهد داد.»

وای بر آنانی که صبح زود برمی‌خیزند تا در پی مسکرات بروند و شب دیر می‌نشینند تا شراب ایشان را گرم نماید و در بزم‌های ایشان عود و بربط و دف و نای و شراب می‌باشد. اما به فعل خداوند نظر نمی‌کنند و به عمل دست‌های وی نمی‌نگرند. بنابراین قوم من به سبب عدم معرفت اسیر شده‌اند و شریفان ایشان گرسنه و عوام ایشان از تشنگی خشک گردیده. از این سبب هاویه حرص خود را زیاد کرده و دهان خویش را بی‌حد باز نموده است و جلال و جمهور و شوکت ایشان و هر که در ایشان شادمان باشد در آن فرو می‌رود.

مردم خم خواهند شد. مردان ذلیل خواهند گردید و چشمان متکبران پست خواهد شد و یهوه صباپوت به انصاف متعال خواهد بود و خدای قَدّوس به عدالت تقدیس کرده خواهد شد. آنگاه بره‌های غربا در مرتع‌های ایشان خواهند چرید و غریبان ویرانه‌های پرواری‌های ایشان را خواهند خورد. وای بر آنانی که عصیان را به ریسمان‌های بطالت و گناه را گویا به طناب ارا به می‌کشند و می‌گویند باشد که او تعجیل نموده، کار خود را بشتاباند تا آن را ببینیم. مقصود قَدّوس اسرائیل نزدیک شده است. بیاید تا آن را بدانیم. وای بر آنانی که بدی را نیکویی و نیکویی را بدی می‌نامند، که ظلمت را به جای نور و نور را به جای ظلمت می‌گذارند و تلخی را به جای شیرینی و شیرینی را به جای تلخی می‌نهند.

وای بر آنانی که در نظر خود حکیمند، و پیش روی خود فهیم می‌نمایند. وای بر آنانی که برای نوشیدن شراب زور آورند و به جهت ممزوج ساختن مسکرات مردان قَوّی می‌باشند که شیرین را برای رشوه عادل می‌شمارند و عدالت عادلان را از ایشان برمی‌دارند. بنابراین به نهجی که شراره‌ی آتش کاه را می‌خورد و علف خشک در شعله می‌افتد، همچنان ریشه‌ی ایشان عفونت خواهد شد و شکوفه‌ی ایشان مثل غبار برفاشانده خواهد گردید. چون که شریعت یهوه صباپوت را ترک کرده، کلام قَدّوس اسرائیل را خوار شمرده‌اند. بنابراین خشم خداوند بر قوم خود مشتعل شده و دست خود را بر ایشان دراز کرده، ایشان را مبتلا ساخته است. کوه‌ها بلرزیدند و لاش‌های ایشان در میان کوه‌ها مثل فضلات گردیده‌اند. با وجود این همه، غضب او برنگردید و دست وی تا کنون دراز است. علمی به جهت امت‌های بعید برپا خواهد کرد و از اقصای زمین برای ایشان صفیر خواهد زد. و ایشان تعجیل نموده، به زودی خواهند آمد و در میان ایشان احدی خسته و لغزش خورنده نخواهد بود و احدی نه پینکی خواهد زد و نه خواهد خوابید. کمر بند کمر احدی از ایشان باز نشده، دوآل نعلین احدی گسیخته نخواهد شد. که تیرهای ایشان، تیز و تمامی کمان‌های ایشان، زده شده است. سُم‌های اسبان ایشان مثل سنگ خارا و چرخ‌های ایشان مثل گردباد شمرده خواهد شد. غرّش ایشان مثل شیر ماده و مانند شیران ژیان غرّش خواهند کرد و ایشان نعره خواهند زد و صید را گرفته، به سلامتی خواهند برد و رهاننده‌ای نخواهد بود. در آن روز بر ایشان مثل شورش دریا شورش خواهند کرد و اگر کسی به زمین بنگرد، اینک تاریکی و تنگی است و نور در افلاک آن به ظلمت مبدّل شده است.

دیدار خدا و سرافین

در سالی که عزّیا پادشاه مرد، خداوند را دیدم که بر کرسی بلند و عالی نشسته بود و هیکل از دامن‌های وی پر بود. و سرافین بالای آن ایستاده

بودند که هر يك از آن‌ها شش بال داشت که با دو از آن‌ها روي خود را مي‌پوشانيد و با دو پاهاي خود را مي‌پوشانيد و با دو پرواز مي‌نمود. يکي ديگري را صدا زده، مي‌گفت: «قَدَّوس قَدَّوس قَدَّوس يهوه صبايوت، تمامی زمين از جلال او مملو است.» و اساس آستانه از آواز او که صدا مي‌زد مي‌لرزید و خانه از دود پر شد. پس گفتم: «وای بر من که هلاک شده‌ام زیرا که مرد ناپاک لب هستم و در میان قوم ناپاک لب ساکنم و چشمانم يهوه صبايوت پادشاه را دیده است.»

آن‌گاه يکي از سرافين نزد من پرید و در دست خود اخگري که با انبر از روي منبج گرفته بود، داشت. و آن را بر دهانم گذارده، گفت که «اینک این لب‌هایت را لمس کرده است و عصيانت رفع شده و گناهت کفارہ گشته است.»

آن‌گاه آواز خداوند را شنيدم که مي‌گفت: «که را بفرستم و کيست که براي ما برود؟»

گفتم: «لبيک مرا بفرست.»

گفت: «برو و به این قوم بگو البته خواهيد شنيد، اما نخواهيد فهميد و هر آينه خواهيد نگرست اما درک نخواهيد کرد. دل این قوم را فربه ساز و گوش‌هاي ايشان را سنگين نما و چشمان ايشان را ببند، مبدا با چشم‌هاي خود ببينند و با گوش‌هاي خود بشنوند و با دل خود بفهمند و بازگشت نموده، شفا يابند.»

پس من گفتم: «ای خداوند تا به کی؟»

گفت: «تا وقتی که شهرها ويران گشته، غير مسکون باشد و خانه‌ها بدون آدمي و زمين خراب و ويران شود. و خداوند مردمان را دور کند و در میان زمين خرابي‌هاي بسيار شود. اما باز عشري در آن خواهد بود و آن نیز بار ديگر تلف خواهد گرديد. مثل درخت بلوط و چنار که چون قطع مي‌شود، کنده آن‌ها باقي مي‌ماند، همچنان ذريت مقدس کنده آن خواهد بود.»

و در ايام آحاز بن يوتام بن عزيا پادشاه يهودا، واقع شد که رصين، پادشاه آرام و فتح‌بن رمليا، پادشاه اسرائيل، بر اورشليم برآمدند تا با آن جنگ نمايند، اما نتوانستند آن را فتح نمايند. و به خاندان داود خبر داده، گفتند که آرام در افرایم اردو زده‌اند، و دل او و دل مردمانش بلرزید به طوري که درختان جنگل از باد مي‌لرزد. آن‌گاه خداوند به اشعيا گفت: «تو با پسر خود شاریاشوب به انتهاي قنات برکه فوقاني به راه مزرعه گازر به استقبال آحاز بيرون شو. و وي را بگو: باحذر و آرام باش مترس و دلت ضعيف نشود از اين دو دشمن دودافشان، يعني از شدت خشم رصين و آرام و پسر رمليا. زیرا که آرام با افرایم و پسر رمليا براي ضرر تو مشورت کرده، مي‌گویند: بر يهودا برآييم و آن را محاصره کرده، به جهت خويشتن تسخير نماييم و پسر طيبيل را در آن به پادشاهي نصب کنيم.»

خداوند یهوه چنین می‌گوید که «این به جا آورده نمی‌شود و واقع نخواهد گردید. زیرا که سر آرام، دمشق و سر دمشق، رصین است و بعد از شصت و پنج سال افرایم شکسته می‌شود به طوری که دیگر قومی نخواهد بود و سر افرایم سامره و سر سامره پسر رملیا است و اگر باور نکنید هر آینه ثابت نخواهید ماند».

خداوند بار دیگر آواز را خطاب کرده، گفت: «آیتی به جهت خود از یهوه خدایت بطلب. آن را یا از عمق‌ها بطلب یا از اعلیٰ علّین بالا».

آواز گفت: «نمی‌طلبم و خداوند را امتحان نخواهم نمود».

گفت: ای خاندان داود بشنوید! آیا شما را چیزی سهل است که مردمان را بیزار کنید بلکه می‌خواهید خدای مرا نیز بیزار کنید. بنابراین خود خداوند به شما آیتی خواهد داد: اینک باکره حامله شده، پسری خواهد زایید و نام او را عمّانویل خواهد خوانند. کره و عسل خواهد خورد تا آنکه ترک کردن بدی و اختیار کردن خوبی را بداند. زیرا قبل از آنکه پسر، ترک نمودن بدی و اختیار کردن خوبی را بداند، زمینی که شما از هر دو پادشاه آن می‌ترسید، متروک خواهد شد. خداوند بر تو و بر قومت و بر خاندان پدرت ایّامی را خواهد آورد که از ایّامی که افرایم از یهودا جدا شد تا حال نیامده باشد یعنی پادشاه آشور را».

و در آن روز واقع خواهد شد که خداوند برای مگس‌هایی که به‌کناره‌های نهرهای مصرند و زنبور‌هایی که در زمین آشورند صغیر خواهد زد و تمامی آن‌ها برآمده، در وادی‌های ویران و شکاف‌های صخره و بر همه‌ی بوته‌های خاردار و بر همه‌ی مرتع‌ها فرود خواهند آمد و در آن روز خداوند به واسطه استره‌ای که از ماورای نهر اجیر می‌شود یعنی به واسطه پادشاه آشور، موی سر و موی پاها را خواهد تراشید و ریش هم سترده خواهد شد و در آن روز واقع خواهد شد که شخصی یک گاو جوان و دو گوسفند زنده نگاه خواهد داشت و از فراوانی شیری که می‌دهند کره خواهد خورد زیرا هرکه درمیان زمین باقی ماند خوراکش کره و عسل خواهد بود و در آن روز هر مکانی که هزار مو به جهت هزار پاره نقره داده می‌شد، پر از خار و خس خواهد بود. با تیرها و کمان‌ها مردم به آنجا خواهند آمد زیرا که تمامی زمین پر از خار و خس خواهد شد و جمیع کوه‌هایی که با بیل کنده می‌شد از ترس خار و خس به آنجا نخواهند آمد بلکه گاو آنرا به آنجا خواهند فرستاد و گوسفندان آنرا پایمال خواهند کرد.

نوحی برای مهیر شلال حاش‌بز

خداوند مرا گفت: «لوحی بزرگ به جهت خود بگیر و بر آن با قلم انسان برای مهیر شلال حاش بز بنویس. و من شهود امین یعنی اوریای کاهن و زکریا ابن یبرکیا را به جهت خود برای شهادت می‌گیرم.»

پس من به نیبه نزدیکی کردم و او حامله شده، پسری زایید. آن‌گاه خداوند به من گفت: «او را مهیر شلال حاش بز بنام، زیرا قبل از آنکه طفل بتواند ای پدرم و ای مادرم بگوید، اموال دمشق و غنیمت سامره را پیش پادشاه آشور به یغما خواهند برد.»

و خداوند بار دیگر مرا باز خطاب کرده، گفت: «چون‌که این قوم آب‌های شیلوه را که به ملایمت جاری می‌شود خوار شمرده، از رصین و پسر رملیا مسرور شده‌اند، بنابراین اینک خداوند آب‌های زور آور بسیار نهر یعنی پادشاه آشور و تمامی حشمت او را بر ایشان برخواهد آورد و او از جمیع جوی‌های خود برخواهد آمد و از تمامی کناره‌های خویش سرشار خواهد شد و بر یهودا تجاوز نموده، سیلان کرده، عبور خواهد نمود تا آن‌که به گردن‌ها برسد و بال‌های خود را پهن کرده، طول و عرض ولایت را ای عماتوئیل پر خواهد ساخت.»

از ترس خداوند به هیجان آید ای قوم‌ها و شکست خواهید یافت و گوش گیرید ای اقصای زمین و کمر خود را ببندید و شکست خواهید یافت. کمر خود را ببندید و شکست خواهید یافت. با هم مشورت کنید و باطل خواهد شد و سخن گویند و به‌جا آورده نخواهد شد زیرا خدا با ما است. چون‌که خداوند با دست قوی به من چنین گفت و مرا تعلیم داد که به راه این قوم سلوک نمایم و گفت: «هرآنچه را که این قوم فتنه می‌نامند، شما آن را فتنه ننمایید و از ترس ایشان ترسان و خائف مباشید. یهوه صباپوت را تقدیس نمایید و او ترس و خوف شما باشد. و او برای شما مکان مقدس خواهد بود اما برای هر دو خاندان اسرائیل سنگ مصادم و صخره‌ی لغزش‌دهنده و برای ساکنان اورشلیم دام و تله. بسیاری از ایشان لغزش خورده، خواهند افتاد و شکسته شده و به دام افتاده، گرفتار خواهند گردید.»

جیک‌جیک جن

شهادت را به هم ببیچ و شریعت را در شاگردانم مختوم ساز. من برای خداوند که روی خود را از خاندان یعقوب مخفی می‌سازد انتظار کشیده، امیدوار او خواهم بود. اینک من و پسرای که خداوند به من داده است، از جانب یهوه صباپوت که در کوه صهیون ساکن است به جهت اسرائیل آیات و علامات هستیم. چون ایشان به شما گویند که از اصحاب اجنه و جادوگرانی که جیک‌جیک و زمزم می‌کنند سؤال کنید، گویند آیا قوم از خدای خود سؤال نمایند و آیا از مرده‌گان به جهت زندگان سؤال باید نمود؟» به شریعت و شهادت توجه نمایید و اگر موافق این کلام سخن

نگویند، پس برای ایشان روشنایی نخواهد بود و با عُسرت و گرسنگی در آن خواهند گشت و هنگامی که گرسنه شوند خویشتن را مشوَش خواهند ساخت و پادشاه و خدای خود را لعنت کرده به بالا خواهند نگرست و به زمین نظر خواهند انداخت و اینک تنگی و تاریکی و ظلمت پریشانی خواهد بود و به تاریکی غلیظ رانده خواهند شد. لیکن برای او که در تنگی می‌بود، تاریکی نخواهد شد. در زمان پیشین زمین زبولون و زمین نفتالی را دلیل ساخت، اما در زمان آخر آن را به راه دریا به آن طرف اردن در جلیل امت‌ها محترم خواهد گردانید. قومی که در تاریکی سالک می‌بودند، نور عظیمی خواهند دید و بر ساکنان زمین سایه موت نور ساطع خواهد شد. تو قوم را بسیار ساخته، شادی ایشان را زیاد گردانیدی. به حضور تو شادی خواهند کرد مثل شادمانی وقت درو و مانند کسانی که در تقسیم نمودن غنیمت وجد می‌نمایند. زیرا که یوغ بار او را و عصای گردنش یعنی عصای جفا کننده‌ی وی را شکستی چنانکه در روز مدیان کردی. زیرا همه اسلحه مسلحان در غوغا است و رُخوت (رخت‌ها) ایشان به خون آغشته است، اما برای سوختن و هیزم آتش خواهند بود. زیرا که برای ما ولدی زاییده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد. ترقی سلطنت و سلامتی او را بر کرسی داود و بر مملکت وی انتها نخواهد بود تا آن را به انصاف و عدالت از الآن تا ابدالآباد ثابت و استوار نماید. غیرت یهوه صباپوت این را به‌جا خواهد آورد.

غضب خدا بر اسرائیل

خداوند کلامی نزد یعقوب فرستاد و آن بر اسرائیل واقع گردید. و تمامی قوم خواهند دانست یعنی افرایم و ساکنان سامره که از غرور و تکبر دل خود می‌گویند: «خستها افتاده است اما با سنگهای تراشیده بنا خواهیم نمود؛ چوبهای افراغ در هم شکست اما سرو آزاد به جای آنها می‌گذاریم.» بنابراین خداوند دشمنان رصین را به ضد او خواهد برافراشت و خصمان او را خواهد برانگیخت. آرامیان را از مشرق و فلسطینیان را از مغرب و ایشان اسرائیل را با دهان گشوده خواهند خورد. اما با این همه، خشم او برگردانیده نشده و دست او هنوز دراز است و این قوم به سوی زنده‌ی خودشان بازگشت ننموده و یهوه صباپوت را نطلبیده‌اند. بنابراین خداوند سر و دم و نخل و نی را از اسرائیل در یک روز خواهد برید. مرد پیر و مرد شریف سر است و نبی‌ای که تعلیم دروغ می‌دهد، دم می‌باشد. زیرا که هادیان این قوم ایشان را گمراه می‌کنند و پیروان ایشان بلعیده می‌شوند. از این سبب خداوند از جوانان ایشان مسرور نخواهد شد و بر

یتیمان و بیوه زنان ایشان ترحم نخواهد نمود. چونکه جمیع ایشان منافق و شریرند و هر دهانی به حماقت متکلم می‌شود با این همه غضب او برگردانیده نشده و دست او هنوز دراز است. زیرا که شرارت مثل آتش می‌سوزاند و خار و خس را می‌خورد، و در بوته‌های جنگل آفرخته شده، دود غلیظ پیمان می‌شود. از غضب یهوه صبایوت زمین سوخته شده است و قوم، هیزم آتش گشته‌اند و کسی بر برادر خود شفقت ندارد. از جانب راست می‌ریابند و گرسنه می‌مانند و از طرف چپ می‌خورند و سیر نمی‌شوند و هرکس گوشت بازوی خود را می‌خورد. منسی افرایم را و افرایم منسی را و هر دوی ایشان بضد یهودا متحد می‌شوند. با اینهمه غضب او برگردانیده نشده و دست او هنوز دراز است.

وای بر آنانی که احکام غیر عادلانه را جاری می‌سازند و کاتبانی که ظلم رامرقوم می‌دارند، تا مسکینان را از داوری منحرف سازند و حق فقیران قوم مرا بریابند تا آنکه بیوه زنان غارت ایشان بشوند و یتیمان را تاراج نمایند. پس در روز بازخواست در حینی که خرابی از دور می‌آید، چه خواهید کرد و به سویی که برای معاونت خواهید گریخت و جلال خود را کجا خواهید انداخت؟ غیر از آنکه زیر اسیران خم شوند و زیر کشتگان بیفتند. با این همه غضب او برگردانیده نشده و دست او هنوز دراز است.

داوری بر آشور

وای بر آشور که عصای غضب من است و عصایی که در دست ایشان است خشم من می‌باشد. او را بر امت منافق می‌فرستم و نزد قوم مغضوب خود مأمور می‌دارم تا غنیمتی بریابند و غارتی ببرند و ایشان را مثل گل کوچه‌ها پایمال سازند. اما او چنین گمان نمی‌کند و دلش بدینگونه قیاس نمی‌نماید، بلکه مراد دلش این است که امت‌های بسیار را هلاک و منقطع بسازد. زیرا می‌گوید آیا سرداران من جمیعاً پادشاه نیستند؟ آیا کلنو مثل کرکمیش نیست و آیا حمات مثل ارفاد نی، و آیا سامره مانند دمشق نمی‌باشد، چنانکه دست من بر ممالک بتها استیلا یافت؟ و بت‌های تراشیده آن‌ها از بت‌های اورشلیم و سامره بیشتر بودند؟ پس آیا به نهجی که به سامره و بت‌هایش عمل نمودم به اورشلیم و بت‌هایش چنین عمل نخواهم نمود؟

و واقع خواهد شد بعد از آنکه خداوند تمامی کار خود را با کوه صهیون و اورشلیم به انجام رسانیده باشد که من از ثمره‌ی دل مغرور پادشاه آشور و از فخر چشمان منکبر وی انتقام خواهم کشید. زیرا می‌گوید: «به قوت دست خود و به حکمت خویش چونکه فهیم هستم این را کردم و حدود قوم‌ها را منتقل ساختم و خزاین ایشان را غارت نمودم و مثل جبار

سروران ایشان را به زیر انداختم. و دست من دولت قوم‌ها را مثل آشیان‌های گرفته است و به طوری که تخم‌های متروک را جمع کنند، من تمامی زمین را جمع کردم و کسی نبود که بال را بجنباند یا دهان خود را بگشاید یا جک جک بنماید.»

آیا تبر بر کسی که به آن می‌شکند فخر خواهد نمود یا ارّه بر کسی که آن را می‌کشد افتخار خواهد کرد، که گویا عصا بلند کننده‌ی خود را بجنباند یا چوب دست آنچه را که چوب نباشد بلند نماید؟ بنابراین خداوند یهوه صباپوت بر فریبهان او لاغری خواهد فرستاد و زیر جلال او سوختنی مثل سوختن آتش افروخته خواهد شد و نور اسرائیل نار و قدّوس وی شعله خواهد شد، و در یک روز خار و خس‌اش را سوزانیده، خواهد خورد و شوکت جنگل و بستان او هم روح و هم بدن را تباه خواهد ساخت و مثل گداختن مریض خواهد شد. و بقیّه درختان و جنگلش قلیل‌العدد خواهد بود که طفلی آن‌ها را ثبت تواند کرد.

بقیه‌ی اسرائیل

و در آن روز واقع خواهد شد که بقیه‌ی اسرائیل و ناجیان خاندان یعقوب بار دیگر بر زنده خودشان اعتماد نخواهند نمود، بلکه بر خداوند که قدّوس اسرائیل است به اخلاص اعتماد خواهند نمود. و بقیّه‌ای یعنی بقیه‌ی یعقوب به سوی خدای قادر مطلق بازگشت خواهند کرد. زیرا هر چند قوم تو اسرائیل مثل ریگ دریا باشند، فقط از ایشان بقیّتی بازگشت خواهند نمود. هلاکتی که مقدر است به عدالت مجرا خواهد شد، زیرا خداوند یهوه صباپوت هلاکت و تقدیری در میان تمام زمین به عمل خواهد آورد. بنابراین خداوند یهوه صباپوت چنین می‌گوید: «ای قوم من که در صهیون ساکنید از آشور مترسید، اگر چه شما را به چوب بزند و عصای خود را مثل مصریان بر شما بلند نماید. زیرا بعد از زمان بسیار کمی غضب تمام خواهد شد و خشم من برای هلاکت ایشان خواهد بود.» و یهوه صباپوت تازیان‌های بر وی خواهد برانگیخت چنان که در کشتار مدیان بر صخره غراب. عصای او بر دریا خواهد بود و آن را بلند خواهد کرد به طوری که بر مصریان کرده بود. در آن روز واقع خواهد شد که بار او از دوش تو و یوغ او از گردن تو رفع خواهد شد و یوغ از فریبه‌ی گسسته خواهد شد. او به عیات رسید و از مجرون گذشت و در مکماش اسباب خود را گذاشت. از معبر عبور کردند و در جبع منزل گزیدند، اهل رامه هراسان شدند و اهل جبعه ساؤل فرار کردند. ای دختر جلیم به آواز خود فریاد برآور! ای لیشه و ای عناتوت فقیر گوش ده! مدمینه فراری شدند و ساکنان جیبیم گریختند. همین امروز در نوب توقف می‌کند و دست خود را بر جبل دختر صهیون و کوه اورشلیم دراز می‌سازد. اینک خداوند یهوه

صبایوت شاخه‌ها را با خوف قطع خواهد نمود و بلند قدان بریده خواهند شد و مرتفعان پست خواهند گردید، و بوته‌های جنگل به آهن بریده خواهد شد و لبنان به دست جباران خواهد افتاد.

ردی از آن دنیا

نهالی از تنه یسعی بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت، یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند. خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود داورى نخواهد کرد و بر وفق سمع گوش‌های خویش تنبیه نخواهد نمود. بلکه مسکینان را به عدالت داورى خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده، شیران را به نفخه‌ی لب‌های خود خواهد گشت و کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میان‌اش امانت. و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بز غاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم، و طفل کوچک آن‌ها را خواهد راند. گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های آن‌ها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازي خواهد کرد و طفل از شیر باز داشته شده دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فسادى نخواهند کرد زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود مثل آب‌هایی که دریا را می‌پوشاند. و در آن روز واقع خواهد شد که ریشه یسعی به جهت علم قوم‌ها برپا خواهد شد و امت‌ها آن را خواهند طلبید و سلامتی او با جلال خواهد بود. و در آن روز واقع خواهد گشت که خداوند بار دیگر دست خود را دراز کند تا بقیه‌ی قوم خویش را که از آشور و مصر و قتروس و حبش و عیلام و شنعار و حمات و از جزیره‌های دریا باقی مانده باشند باز آورد. و به جهت امت‌ها علمی برافراشته، رانده‌شده‌گان اسرائیل را جمع خواهد کرد و پراکنده‌گان یهودا را از چهار طرف جهان فراهم خواهد آورد و حسد افرایم رفع خواهد شد و دشمنان یهودا منقطع خواهند گردید. افرایم بر یهودا حسد نخواهد بُرد و یهودا افرایم را دشمنی نخواهد نمود و به جانب مغرب بر دوش فلسطینیان بریده، بنی مشرق را با هم غارت خواهند نمود. و دست خود را بر ائوم و مؤاب دراز کرده، بنی عمون ایشان را اطاعت خواهند کرد و خداوند زبانه‌ی دریای مصر را تپاه ساخته، دست خود را با باد سوزان بر نهر دراز خواهد کرد و آن را با هفت نهرش خواهد زد و مردم را با کفش به آن عبور خواهد داد و به جهت بقیه قوم او که از آشور باقی مانده باشند، شاه‌راهی خواهد بود، چنان‌که به جهت اسرائیل در روز بر آمدن ایشان از زمین مصر بود.

و در آن روز خواهی گفت که «ای خداوند تو را حمد می‌گویم زیرا به من غضبناک بودی، اما غضبت برگردانیده شده، مرا تسلی می‌دهی. اینک خدا نجات من است بر او توکل نموده، نخواهم ترسید. زیرا یاه یهوَه قوت و تسبیح من است و نجات من گردیده است.» بنابراین با شادمانی از چشمه‌های نجات آب خواهید کشید. و در آن روز خواهید گفت: خداوند را حمد گوئید و نام او را بخوانید و اعمال او را در میان قوم‌ها اعلام کنید و ذکر نمایید که اسم او متعال می‌باشد. برای خداوند بسرایید زیرا کارهای عظیم کرده است و این در تمامی زمین معروف است
 ای ساکنه صهیون صدا را برافراشته، بسرای زیرا قدوس اسرائیل در میان تو عظیم است.»

وحي دربارہ ی بابل

علمی بر کوه خشک برپا کنید و آواز به ایشان بلند نمایید، با دست اشاره کنید تا به درهای نجبا داخل شوند. من مقدسان خود را مأمور داشتم و شجاعان خویش یعنی آنانی را که در کبریای من وجد می‌نمایند به جهت غضب دعوت نمودم. آواز گروهی در کوه‌ها مثل آواز خلق کثیر. آواز غوغای ممالک امت‌ها که جمع شده باشند. یهوه صباپوت لشکر را برای جنگ‌سان می‌بیند. ایشان از زمین بعید و از کرانه‌های آسمان می‌آیند. یعنی خداوند با اسلحه غضب خود تا تمامی جهان را ویران کند. ولوله کنید زیرا که روز خداوند نزدیک است، مثل هلاکتی از جانب قادر مطلق می‌آید. از این جهت همه دستها سست می‌شود و دل‌های همه مردم گداخته می‌گردد. و ایشان متحیر شده، آلم‌ها و دردهای زه بر ایشان عارض می‌شود، مثل زنی که می‌زاید درد می‌کشند. بر یکدیگر نظر حیرت می‌اندازند و روی‌های ایشان روی‌های شعله‌ور می‌باشد. اینک روز خداوند با غضب و شدت خشم و ستمکشی می‌آید، تا جهان را ویران سازد و گناهکاران را از میانش هلاک نماید. زیرا که ستارگان آسمان و برج‌هایش روشنایی خود را نخواهند داد و آفتاب در وقت طلوع خود تاریک خواهد شد و ماه روشنایی خود را نخواهد تابانید. من ربع مسکون را به سبب گناه و شریران را به سبب عصیان ایشان سزا خواهم داد، غرور متکبران را تباه خواهم ساخت و تکبر جباران را به زیر خواهم انداخت و مردم را از زر خالص و انسان را از طلای اوفیر کمیاب‌تر خواهم گردانید. بنابراین آسمان را متزلزل خواهم ساخت و زمین از جای خود متحرک خواهد شد. در حین غضب یهوه صباپوت و در روز شدت خشم او.

مثل آهوي رانده شده و مانند گله‌اي كه كسي آن را جمع نكند خواهند بود و هر كس به سوي قوم خود توجه خواهد نمود و هر شخص به زمين خويش فرار خواهد كرد. و هر كه يافت شود با نيزه زده خواهد شد و هر كه گرفته شود با شمشير خواهد افتاد. اطفال ايشان نيز در نظر ايشان به زمين انداخته شوند و خانه‌هاي ايشان غارت شود و زنان ايشان بي عصمت گردند. اينك من ماديان را بر ايشان خواهم برانگيخت كه نقره را به حساب نمي‌آورند و طلا را دوست نمي‌دارند. و كمان‌هاي ايشان جوانان را خرد خواهد كرد. و بر ثمره رحم نخواستند نمود و چشمان ايشان بر اطفال شفقت نخواهد كرد و بابل كه جلال ممالك و زينت فخر كلدانان است، مثل واژگون ساختن سدوم و عموره را خواهد شد و تا به ابد آباد نخواهد شد و نسل بعد نسل مسكون نخواهد گرديد. و اعراب در آنجا خيمه نخواهند زد و شبانان گله‌ها را در آنجا نخواهند خوابانيد بلكه وحوش صحرا در آنجا خواهند خوابيد و خانه‌هاي ايشان از بوم‌ها پر خواهد شد. شترمرغ در آنجا ساكن خواهد شد و غولان در آنجا رقص خواهند كرد، و شغالها در قصرهاي ايشان و گرگها در كوشك‌هاي خوش‌نما صدا خواهند زد و زمانش نزديك است كه برسد و روزهايش طول نخواهد كشيد.

زيرا خداوند بر يعقوب ترحم فرموده، اسراييل را بار ديگر خواهد برگزيد و ايشان را در زمين‌شان آرامي خواهد داد و غربا با ايشان ملحق شده، با خاندان يعقوب ملصق خواهند گرديد و قوم‌ها ايشان را برداشته، به مكان خودشان خواهند آورد و خاندان اسراييل ايشان را در زمين خداوند براي بندگي و كنيزي، مملوك خود خواهند ساخت. و اسيركنندگان خود را اسير کرده، بر ستمكاران خويش حكمراني خواهند نمود. و در روزي كه خداوند تو را از آلم و اضطرابت و بندگي سخت كه بر تو مي‌نهادند خلاصي بخشد، واقع خواهد شد كه اين مثل را بر پادشاه بابل زده، خواهي گفت: چه‌گونه آن ستمكار تمام شد و آن جور پيشه چه‌گونه فاني گرديد! خداوند عصاي شريران و چوگان حاكمان را شكست. آنكه قوم‌ها را به خشم با صدمه متوالي مي‌زد و بر امت‌ها به غضب با جفائي بي حد حكمراني مي‌نمود، تامي زمين آرام شده و ساكت گرديده‌اند و به آواز بلند ترمم مي‌نمايند. صنوبرها نيز و سروهاي آزاد لبنان دربارهي تو شادمان شده، مي‌گويند: «از زماني كه تو خوابيده‌اي قطع كننده‌اي بر ما برنيامده است.»

هاويه از زير براي تو متحرك است تا چون بيابي تو را استقبال نمايد، و مردگان يعني جميع بزرگان زمين را براي تو بيدار مي‌سازد، و جميع پادشاهان امت‌ها را از كرسي‌هاي ايشان برمي‌دارد. جميع اين‌ها تو را خطاب کرده، مي‌گويند: «آيا تو نيز مثل ما ضعيف شده‌اي و مانند ما گرديده‌اي؟» جلال تو و صداي بربط‌هاي تو به هاويه فرود شده است. كرم‌ها زير تو گستراننده شده و مورها تو را مي‌پوشانند. اي زهره دختر

صیح چه‌گونه از آسمان افتاده‌ای؟ ای که اَمّت‌ها را ذلیل می‌ساختی چه‌گونه به زمین افکنده شده‌ای؟ و تو در دل خود می‌گفتی: «به آسمان صعود نموده، کرسی خود را بالای ستارگان خدا خواهم افراشت، و بر کوه اجتماع در اطراف شمال جلوس خواهم نمود. بالای بلندی‌های ابرها صعود کرده، مثل حضرت اعلی خواهم شد.» لکن به هاویه به اسفل‌های حُفره فرود خواهی شد. آنانی که تو را بینند بر تو چشم دوخته و در تو تأمل نموده، خواهند گفت: «آیا این آن مرد است که جهان را متزلزل و ممالک را مرتعش می‌ساخت؟ که ربع مسکون را ویران می‌نمود و شهرهایش را منهدم می‌ساخت و اسیران خود را به خانه‌های ایشان رها نمی‌کرد؟»

همه پادشاهان اَمّت‌ها جمعاً هر يك در خانه خود با جلال می‌خوابند. اما تو از قبر خود بیرون افکنده می‌شوی و مثل شاخه مکروه و مانند لباس کشتگانی که با شمشیر زده شده باشند، که به سنگ‌های حفره فرو می‌روند و مثل لاشه پایمال شده. با ایشان در دفن متحد خواهی بود چون‌که زمین خود را ویران کرده، قوم خویش را کشته‌ای. ذریت شریران تا به ابد مذکور خواهند شد. برای پسرانش به سبب گناه پدران ایشان قتل را مهیا سازید، تا ایشان برنخیزند و در زمین تصرف نمایند و روی ربع مسکون را از شهرها پر نسازند. و یهوه صباپوت می‌گوید: «من به ضدایشان خواهم برخاست.» و خداوند می‌گوید: «اسم و بقیه را و نسل و ذریت را از بابل منقطع خواهم ساخت. و آن را نصیب خارپشت‌ها و خلاب‌های آب خواهم گردانید و آن را با جاروب هلاکت خواهم رُفت.» یهوه صباپوت می‌گوید.

سرنوشت آشور

یَهُوَه صباپوت قسم خورده، می‌گوید: «یقیناً به طوری که قصد نموده‌ام همچنان واقع خواهد شد. و به نهجی که تقدیر کرده‌ام همچنان به‌جا آورده خواهد گشت و آشور را در زمین خودم خواهم شکست و او را بر کوه‌های خویش پایمال خواهم کرد و یوغ او از ایشان رفع شده، بار وی از گردن ایشان برداشته خواهد شد.»

تقدیری که بر تمامی زمین مقدر گشته، این است و دستی که بر جمیع اَمّت‌ها دراز شده، همین است. زیرا که یهوه صباپوت تقدیر نموده است، پس کیست که آن را باطل گرداند؟ و دست اوست که دراز شده است پس کیست که آن را برگرداند؟

وحي دربارہ ی فلسطین

در سالی که آحاز پادشاه مُرد این وحی نازل شد: ای جمیع فلسطین شادی مکن از اینکه عصایی که تو را می‌زد شکسته شده است. زیرا که از ریشه مار افعی بیرون می‌آید و نتیجه او اژدهای آتشین پرنده خواهد بود و نخست‌زاده‌گان مسکینان خواهند چرید و فقیران در اطمینان خواهند خوابید. و ریشه تو را با قحطی خواهم گشت و باقی مانده‌گان تو مقتول خواهند شد. ای دروازه ولوله نما! و ای شهر فریاد برآور! ای تمامی فلسطین تو گداخته خواهی شد. زیرا که از طرف شمال دود می‌آید و از صفوف وی کسی دور نخواهد افتاد. پس به رسولان امت‌ها چه جواب داده شود: «اینکه خداوند صهیون را بنیاد نهاده است و مسکینان قوم وی در آن پناه خواهند برد».

وحی درباره‌ی موآب

زیرا که در شبی عار موآب خراب و هلاک شده است؛ زیرا در شبی قبر موآب خراب و هلاک شده است. به بتکده و دیبون به مکان‌های بلند به جهت گریستن برآمده‌اند. موآب برای نَبُو و میدبَا ولوله می‌کند. بر سر هر یکی از ایشان گری است و ریش‌های همه تراشیده شده است. در کوچ‌های خود کمر خود را به پلاس می‌بندند و بر پشت بام‌ها و در چهارسوهای خود هرکس ولوله می‌نماید و اشکها می‌ریزد و حَسْبُون و اَلْعَالَه فریاد برمی‌آورند. آواز ایشان تا یاهصُ شنیده می‌شود. بنابراین مسلحان موآب ناله می‌کنند و جان ایشان در ایشان می‌لرزد.

دل من به جهت موآب فریاد برمی‌آورد. فراریانش تا به صوغَر و عَجَلت شَلْشیا نعره می‌زنند زیرا که ایشان به فراز لُوحیت با گریه برمی‌آیند. زیرا که از راه حُورُونایم صدای هلاکت برمی‌آورند. زیرا که آب‌های نمریم خراب شده، چون که علف خشکیده و گیاه تلف شده و هیچ چیز سبز باقی نمانده است. بنابراین دولتی را که تحصیل نموده‌اند و اندوخته‌های خود را بر وادی بیدها می‌برند. زیرا که فریاد ایشان حدود موآب را احاطه نموده و ولوله ایشان تا اَجَلایم و ولوله ایشان تا بئر ایلیم رسیده است. چون که آب‌های دیمون از خون پر شده زانرو که بر دیمون بلایای زیاد خواهد آورد یعنی شیری را بر فراریان موآب و بر بقیه زمینش خواهم گماشت.

بره‌ها را که خراج حاکم زمین است از سالع به سوی بیابان به کوه دختر صَهْیُون بفرستید. دختران موآب مثل مرغان آواره و مانند آشیانه تَرک شده نزد معبرهای آرنون خواهند شد. مشورت بدهید و انصاف را به جا آورید، و سایه خود را در وقت ظهر مثل شب بگردان. رانده شدگان را پنهان کن و فراریان را تسلیم نما. ای موآب بگذار که رانده‌شدگان من نزد تو مأوا گزینند. برای ایشان از روی تاراج‌کننده پناهگاه باش. زیرا ظالم نابود

می‌شود و تاراج‌کننده تمام می‌گردد و ستمکار از زمین تلف خواهد شد و گرسی به رحمت استوار خواهد گشت و کسی به راستی بر آن در خیمه داود خواهد نشست که داوری کند و انصاف را بطلبد و به جهت عدالت تعجیل نماید. غرور مواب و بسیاری تکبر و خُیلاء (بزرگمنشی) و کبر و خشم او را شنیدیم و فخر او باطل است. بدین سبب مواب به جهت مواب ولوله می‌کند و تمامی ایشان ولوله می‌نمایند. به جهت بنیادهای قیر حارس‌ات ناله می‌کنید زیرا که بالگل مضروب می‌شود. زیرا که مزرعه‌های حثبون و موهایی سیبمه پژمرده شد و سروران امت‌ها تاگ‌هایش را شکستند. آن‌ها تا به یغزیر رسیده بود و در بیابان پراکنده می‌شد و شاخه‌هایش منتشر شده، از دریا می‌گذشت. بنابراین برای موهایی سیبمه به گریه یغزیر خواهم گریست.

ای حثبون و آله شما را با اشک‌های خود سیراب خواهم ساخت زیرا که برمیوه‌ها و انگورهای گلبانگ افتاده است. شادی و ابتهاج از بستان‌ها برداشته شد و در تاکستان‌ها ترنم و آواز شادمانی نخواهد بود و کسی شراب را در چرخشها پامال نمی‌کند. صدای شادمانی را خاموش گردانیدیم. لهذا احشای من مثل بربط به جهت مواب صدا می‌زند و بطن من برای قیر حارس و هنگامی که مواب در مکان بلند خود حاضر شده، خوبستن را خسته کند و به مکان مقدس خود برای دعا بیاید کامیاب خواهد شد. این است کلامی که خداوند درباره مواب از زمان قدیم گفته است. اما الان خداوند تکلم نموده، می‌گوید که بعد از سه سال مثل سال‌های مزدور، جلال مواب با تمامی جماعت کثیر او محقر خواهد شد و بقیه آن بسیار کم و بی‌قوت خواهند گردید.

وحي دربارہی دمشق

اینک دمشق از میان شهرها برداشته می‌شود و توده‌ی خراب خواهد گردید. شهرهای عروعر متروک می‌شود و به جهت خوابیدن گله‌ها خواهد بود و کسی آن‌ها را نخواهد ترسانید و حصار از افرایم تلف خواهد شد و سلطنت از دمشق و از بقیه آرام. و مثل جلال بنی‌اسرائیل خواهند بود زیرا که یهوه صباوت چنین می‌گوید. در آن روز جلال یعقوب ضعیف می‌شود و فربهی جسدش به لاغری تبدیل می‌گردد و چنان خواهد بود که دروگران زرع را جمع کنند و دست‌های ایشان سنبله‌ها را درو کند و خواهد بود مثل وقتی که در وادی رفایم سنبله‌ها را بچینند و خوشه‌های چند در آن باقی ماند و مثل وقتی که زیتون را بتکانند که دو یا سه دانه بر سر شاخه بلند و چهار یا پنج دانه بر شاخچه‌های بارور آن باقی ماند.

یهوه خدای اسرائیل چنین می‌گوید. در آن روز انسان به سوی آفریننده خود نظر خواهد کرد و چشمانش به سوی قنوس اسرائیل خواهد نگریست و به

سوي مذبح‌هايي که به دستهاي خود ساخته است نظر نخواهد کرد و به آنچه با انگشت‌هاي خويش بنا نموده يعني اشيريم و بت‌هاي آفتاب نخواهد نگريست. در آن روز شهرهاي حصين‌اش مثل خرابه‌هايي که در جنگل يا بر کوه بلند است خواهد شد که آن‌ها را از حضور بني‌اسرائيل واگذاشتند و ويران خواهد شد. چون که خدای نجات خود را فراموش کردی و صخره‌ی قوت خويش را به ياد نياوردی، بنا بر اين نهال‌هاي دلپذير غرس خواهي نمود و قلمه‌هاي غريب را خواهي کاشت. در روزي که غرس مي‌نمايي آن را نمو خواهي داد و در صبح مزروع خود را به شکوفه خواهي آورد اما محصول‌اش در روز آفت مهلك و حزن علاج‌ناپذير بر باد خواهد رفت.

وای بر شورش قوم‌هاي بسيار که مثل شورش دريا شورش مي‌نمايند و خروش طوايفي که مثل خروش آب‌هاي زور آور خروش مي‌کنند. طوايف مثل خروش آب‌هاي بسيار مي‌خروشند اما ايشان را عتاب خواهد کرد و به جاي دور خواهند گريخت و مثل کاه کوه‌ها در برابر باد رانده خواهند شد و مثل غبار در برابر گردباد. در وقت شام اينک خوف است و قبل از صبح ناپود مي‌شوند. نصيب تاراج‌کنندگان ما و حصه غارت نمايندگان ما همين است.

وای بر زميني که در آن آواز بال‌ها است که به آن طرف نهرهاي کوش مي‌باشند و ايلچيان به دريا و در کشتي‌هاي برّدي بر روي آب‌ها مي‌فرستد و مي‌گويد: اي رسولان تيزرو برويد نزد امت بلند قد و برّاق، نزد قومي که از ابتدائش تا کنون مهيب بوده‌اند؛ يعني امت زور آور و پايمال کننده که نهرها زمين ايشان را تقسيم مي‌کند.

اي تمامي ساکنان ربع مسکون و سکنه جهان، چون علمي بر کوه‌ها بلند گردد بنگريد و چون گرتا نواخته شود بشنوید. زيرا خداوند به من چنين گفته است که من خواهم آراميد و از مکان خود نظر خواهم نمود. مثل گرمای صاف بر نباتات و مثل ابر شبنم‌دار در حرارت حصاد. زيرا قبل از حصاد وقتي که شکوفه تمام شود و گل به انگور رسیده مبدل گردد او شاخه‌ها را با آن‌ها خواهد برید و نهال‌ها را بریده دور خواهد افکند و همه براي مرغان شکاری کوه‌ها و وحوش زمين واگذاشته خواهد شد و مرغان شکاری تابستان را بر آن‌ها به سر خواهند برد و جمیع وحوش زمين زمستان را بر آن‌ها خواهند گذرانید و در آن زمان هديه‌اي براي يهوه صبايوت از قوم بلند قد و برّاق و از قومي که از ابتدائش تا کنون مهيب است و از امتي زور آور و پايمال کننده که نهرها زمين ايشان را تقسيم مي‌کند به مکان اسم يهوه صبايوت يعني به کوه صهيون آورده خواهد شد.

وحي درباره‌ی مصر

اینک خداوند بر ابر تیزرو سوار شده، به مصر می‌آید و بت‌های مصر از حضور وی خواهد لرزید و دل‌های مصریان در اندرون ایشان گداخته خواهد شد. و مصریان را بر مصریان خواهم برانگیخت. برادر با برادر خود و همسایه با همسایه خویش و شهر با شهر و کشور با کشور جنگ خواهند نمود. و روح مصر در اندرونش افسرده شده، مشورتش را باطل خواهم گردانید و ایشان از بت‌ها و فالگیران و صاحبان اجنه و جادوگران سؤال خواهند نمود و مصریان را به دست آقای ستم‌کیش تسلیم خواهم نمود و پادشاه زور آور بر ایشان حکمرانی خواهد کرد.

خداوند یهوه صباپوت چنین می‌گوید:

آب از دریای نیل کم شده، نهر خراب و خشک خواهد گردید و نهرها متعفن شده، جوی‌های ماصور کم شده می‌خشکد و نی و بوریا پژمرده خواهد شد و مرغزاری که بر کنار نیل و بر دهنه نیل است و همه مزرعه‌های نیل خشک و رانده شده و نابود خواهد گردید و ماهی‌گیران ماتم می‌گیرند و همه آنانی که قلاب به نیل اندازند زاری می‌کنند و آنانی که دام بر روی آب گسترانند افسرده خواهند شد و عاملان کتان شانه زده و بافنده گان پارچه سفید خجل خواهند شد و ارکان او ساییده و جمیع مزدوران رنجیده دل خواهند شد. سروران صوعن بالگل احمق می‌شوند و مشورت مشیران دانشمند فرعون وحشی می‌گردد. پس چه‌گونه به فرعون می‌گویید که من پسر حکما و پسر پادشاهان قدیم می‌باشم. پس حکیمان تو کجایند تا ایشان تو را اطلاع دهند و بدانند که یهوه صباپوت درباره‌ی مصر چه تقدیر نموده است؟ سروران صوعن ابله شده و سروران نوب فریب خورده‌اند و آنانی که سنگ زاویه اسباط مصر هستند آن را گمراه کرده‌اند و خداوند روح خیرگی در وسط آن آمیخته است که ایشان مصریان را در همه کارهای ایشان گمراه کرده‌اند، مثل مستان که در قی خود افتان و خیزان راه می‌روند و مصریان را کاری نخواهد ماند که سر یا دم نخل یا بوریا بکند. در آن روز اهل مصر مثل زنان می‌باشند و از حرکت دست یهوه صباپوت که آن را بر مصر به حرکت می‌آورد لرزان و هراسان خواهند شد و زمین یهودا باعث خوف مصر خواهد شد که هر که ذکر آن را بشنود خواهد ترسید؛ به سبب تقدیری که یهوه صباپوت بر آن مقدر نموده است. در آن روز پنج شهر در زمین مصر به زبان کنعان متکلم شده، برای یهوه صباپوت قسم خواهند خورد و یکی شهر هلاکت نامیده خواهد شد. در آن روز مذبحی برای خداوند در میان زمین مصر و ستونی نزد حدودش برای خداوند خواهد بود. و آن آیتی و شهادتی برای یهوه صباپوت در زمین مصر خواهد بود. زیرا که نزد خداوند به سبب جفاکنندگان خویش استغاثه خواهد نمود و او نجات دهنده و حمایت کننده‌ای برای ایشان خواهد فرستاد و ایشان را خواهد رهانید و خداوند بر مصریان معروف خواهد شد و در آن روز مصریان خداوند را خواهند

شناخت و با ذبایح و هدایا او را عبادت خواهند کرد و برای خداوند نذر کرده، آن را وفا خواهند نمود و خداوند مصریان را خواهد زد و به زدن شفا خواهد داد زیرا چون به سویی خداوند بازگشت نمایند ایشان را اجابت نموده، شفا خواهد داد. در آن روز شاهراهی از مصر به آشور خواهد بود و آشوریان به مصر و مصریان به آشور خواهند رفت و مصریان با آشوریان عبادت خواهند نمود. در آن روز اسرائیل سوم (عرضه و بها نهادن کالا) مصر و آشور خواهد شد و آن‌ها در میان جهان برکت خواهند بود. زیرا که یهوه صباپوت آن‌ها را برکت داده خواهد گفت قوم من مصر و صنعت دست من آشور و میراث من اسرائیل مبارک باشند.

در سالی که نرتان به آشود آمد هنگامی که سرجون پادشاه آشور او را فرستاد، پس با آشود جنگ کرده، آن را گرفت. در آن وقت خداوند به واسطه اشعیا این اموص تکلم نموده، گفت: «برو و پلاس را از کمر خود بگشا و نعلین را از پای خود بیرون کن.» و او چنین کرده، عریان و پا برهنه راه می‌رفت. خداوند گفت: «چنان‌که بنده من اشعیا سه سال عریان و پا برهنه راه رفته است تا آیتی و علامتی درباره مصر و کوش باشد، بهمان طور پادشاه آشور اسیران مصر و جلاء و طنان کوش را از جوانان و پیران عریان و پابرهنه و مکشوف سرین خواهد برد تا رسوایی مصر باشد و ایشان به سبب کوش که ملجای ایشان است و مصر که فخر ایشان باشد مضطرب و خجل خواهند شد. و ساکنان این ساحل در آن روز خواهند گفت: اینک ملجای ما که برای اعانت به آن فرار کردیم تا از دست پادشاه آشور نجات یابیم چنین شده است، پس ما چه‌گونه نجات خواهیم یافت؟»

وحي درباره‌ی بیابان بحر

چنان‌که گردباد در جنوب می‌آید، این نیز از بیابان از زمین هولناک می‌آید. رؤیای سخت برای من منکشف شده است؛ خیانت پیشه خیانت می‌کند و تاراج کننده تاراج می‌نماید. ای عیلام برآی و ای میڈیان محاصره نما. تمام ناله آن را ساکت گردانیدم. از این جهت کمر من از شدت درد پر شده است و درد زه مثل درد زنی که می‌زاید مرا درگرفته است. چنان پیچ و تاب می‌خورم که نمی‌توانم بشنوم، چنان مدهوش می‌شوم که نمی‌توانم ببینم. دل من می‌تپید و هیبت مرا ترسانید. او شب لذت مرا برایم به خوف مبدل ساخته است. سفره را مهیا ساخته و فرش را گسترانیده به اکل و شرب مشغول می‌باشند. ای سروران برخیزید و سپرها را روغن بمالید. زیرا خداوند به من چنین گفته است: «برو و دیده‌بان را قرار بده تا آنچه را که ببیند اعلام نماید و چون فوج سواران جفت جفت و فوج الاغان و فوج شتران را ببیند آنگاه به دقت تمام توجه بنماید.» پس او مثل شیر صدا زد

که «ای آقا من دائماً در روز بر محرس ایستاده‌ام و تمامی شب بر دیده‌بانگاه خود برقرار می‌باشم و اینک فوج مردان و سواران جفت جفت می‌آیند و او مزید کرده، گفت: بابل افتاده است و تمامی تمثال‌های تراشیده خدایانش را بر زمین شکسته‌اند.»
ای کوفته شده من و ای محصول خرمن من آن چه از یهوه صباپوت خدای اسرائیل شنیدم به شما اعلام می‌نمایم.

وحي دربارہی دوم

کسی از سعیر به من ندا می‌کند که «ای دیده‌بان از شب چه خبر؟ ای دیده‌بان از شب چه خبر؟»
دیده‌بان می‌گوید که «صبح می‌آید و شام نیز. اگر پرسیدن می‌خواهید بپرسید و بازگشت نموده، بیاید.»

وحي دربارہی عرب

ای قافله‌های ددانیان در جنگل عرب منزل کنید. ای ساکنان زمین تیما تشنه‌گان را به آب استقبال کنید و فراریان را به خوراک ایشان پذیره شوید. زیرا که ایشان از شمشیرها فرار می‌کنند، از شمشیر برهنه و کمان زده شده و از سختی جنگ. زانرو که خداوند به من گفته است بعد از یکسال موافق سال‌های مزدوران، تمامی شوکت قیدار تلف خواهد شد و بقیه‌ی شماره‌ی تیراندازان و جباران بنی قیدار قلیل خواهد شد چون که یهوه خدای اسرائیل این را گفته است.

– تو را چه شد که کلیه بر بام‌ها برآمدی؟ ای که پر از شورش‌ها هستی و ای شهر پرغوغا و ای قریه مفتخر! کشتگان کشته شمشیر نیستند و در جنگ هلاک نشده‌اند. جمیع سرورانت با هم گریختند و بدون تیراندازان اسیر گشتند. همه‌گانی که در تو یافت شدند با هم اسیر گردیدند و به جای دور فرار کردند. بنابراین گفتم نظر خود را از من بگردانید زیرا که با تلخی گریه می‌کنم. برای تسلی من درباره‌ی خرابی دختر قوم الحاح مکنید. زیرا خداوند یهوه صباپوت روز آسفتگی و پایمالي و پریشانی‌ای در وادی رؤیا دارد.

دیوارها را منهدم می‌سازند. صدای استغاثه تا به کوه‌ها می‌رسد و عیلام با افواج مردان و سواران ترکش را برداشته است و قیر سیر را مکشوف نموده است و وادی‌های بهترینات از ارباب‌ها پر شده، سواران پیش دروازه‌های صفا‌آری می‌نمایند؛ و پوشش یهودا برداشته می‌شود و در آن روز به اسلحه‌خانه جنگل نگاه خواهید کرد؛ و رخنه‌های شهر داود را

که بسیارند خواهید دید و آب برکه تحتانی را جمع خواهید نمود؛ و خانه‌های اورشلیم را خواهید شمرد و خانه‌ها را به جهت حصاربندی دیوارها خراب خواهید نمود و درمیان دو دیوار حوضی برای آب برکه قدیم خواهید ساخت اما به صانع آن نخواهید نگریست و به آن که آن را از ایام پیشین ساخته است نگران نخواهید شد. در آن روز خداوند یهوه صباپوت شما را به گریستن و ماتم کردن و کندن مو و پوشیدن پلاس خواهد خواند.

اینک شادمانی و خوشی و کشتن گاو و ذبح کردن گوسفندان و خوردن گوشت و نوشیدن شراب خواهد بود که بخوریم و بنوشیم زیرا که فردا می‌میریم.

یهوه صباپوت در گوش من اعلام کرده است که این گناه شما تا بمیرید هرگز کفاره نخواهد شد. خداوند یهوه صباپوت این را گفته است. خداوند یهوه صباپوت چنین می‌گوید: «برو و نزد این خزانهدار یعنی شبنا که ناظر خانه است داخل شو و به او بگو: تو را در این جا چه کار است و در این جا که را داری که در این جا قبری برای خود کنده‌ای؟»

ای کسی که قبر خود را در مکان بلند می‌کنی و مسکنی برای خویشتن در صخره می‌تراشی، اینک ای مرد، خداوند البتّه تو را دور خواهد انداخت و البتّه تو را خواهد پوشانید و البتّه تو را مثل گوی سخت خواهد پیچید و به زمین وسیع تو را خواهد افکند و در آن جا خواهی مرد و در آن جا ارابه‌های شوکت تو رسوایی خانه آقايت خواهد شد و تو را از منصبت خواهم راند و از مکانات به زیر افکنده خواهی شد و در آن روز واقع خواهد شد که بنده‌ی خویش الیاقیم بن حلقیا را دعوت خواهم نمود و او را به جامه‌ی تو ملّیس ساخته به کمر بندت محکم خواهم ساخت و اقتدار تو را به دست او خواهم داد و او ساکنان اورشلیم و خاندان یهودا را پدر خواهد بود و کلید خانه‌ی داود را بر دوش وی خواهم نهاد و چون بگشاید احدی نخواهد بست و چون ببندد، احدی نخواهد گشاد. او را در جای محکم مثل میخ خواهم دوخت؛ برای خاندان پدر خود کرسی جلال خواهد بود و تمامی جلال خاندان پدرش را از اولاد و احفاد و همه ظروف کوچک را از ظروف کاسه‌ها تا ظروف تُنگ‌ها بر او خواهند آویخت. یهوه صباپوت می‌گوید که در آن روز آن میخی که در مکان محکم دوخته شده، متحرک خواهد گردید و قطع شده، خواهد افتاد و باری که بر آن است، تلف خواهد شد زیرا خداوند این را گفته است.

وحي دربارہ ی صور

ای کشتی‌های ترشیش و لوله نمایید زیرا که به حدی خراب شده است که نه خان‌های و نه مدخلی باقی مانده است. از زمین کتیم خبر به ایشان رسیده

است. اي ساكنان ساحل كه تاجران صيدون كه از دريا عبور مي‌كنند تو را پر ساخته‌اند، آرام گيريد و دخل او از محصول شيحور و حصاد نيل بر آب‌هاي بسيار مي‌بود، پس او تجارت گاه امت‌ها شده است. اي صيدون خجل شو زيرا كه دريا يعني قلعه دريا متكلم شده، مي‌گويد درد زه نكشيده‌ام و نزاييده‌ام و جوانان را نپرورده‌ام و دوشيزگان را تربيت نكرده‌ام. چون اين خبر به مصر برسد، از اخبار صور بسيار دردناك خواهند شد.

اي ساكنان ساحل دريا به ترشيش بگذريد و ولوله نماييد. آيا اين شهر مفتخر شماست كه قديمي و از ايام سلف بوده است و پاهائش او را به جاي دور برده تا در آنجا مأوا گزيند؟ كيست كه اين قصد را درباره صور آن شهر تاج‌بخش كه تجار وي سروران و بازرگانان او شرفاي جهان بوده‌اند نموده است؟ يهوه صبايوت اين قصد را نموده است تا تكبر تاممي جلال را خوار سازد و جميع شرفاي جهان را محقر نمايد. اي دختر ترشيش از زمين خود مثل نيل بگذر زيرا كه ديگر هيچ بند براي تو نيست. او دست خود را بر دريا دراز کرده، مملكت‌ها را متحرك ساخته است.

خداوند درباره كنعان امر فرموده است تا قلعه‌هايش را خراب نمايند و گفته است: اي دوشيزه ستم رسيده و اي دختر صيدون ديگر مفتخر نخواهي شد. برخاسته، به كتيم بگذر؛ اما در آنجا نيز راحت براي تو نخواهد بود. اينك زمين كلدانيان كه قومي نبودند و آشور آن را به جهت صحرائنشينان بنياد نهاد. ايشان منجنيق‌هاي خود را افراشته، قصرهاي آن را منهدم و آن را به خرابي مبدل خواهند ساخت. اي كشتي‌هاي ترشيش ولوله نماييد زيرا كه قلعه شما خراب شده است.

و در آن روز واقع خواهد شد كه صور، هفتاد سال مثل ايام يك پادشاه، فراموش خواهد شد؛ و بعد از انقضاي هفتاد سال براي صور مثل سرود زانیه خواهد بود. اي زانیه فراموش شده بربط را گرفته، در شهر گردش نما. خوش بنواز و سرودهاي بسيار بخوان تا به ياد آورده شوي.

بعد از انقضاي هفتاد سال واقع مي‌شود كه خداوند از صور تفقد خواهد نمود و به اجرت خويش برگشته با جميع ممالك جهان كه بر روي زمين است زنا خواهد نمود. و تجارت و اجرت آن براي خداوند وقف شده ذخيره و اندوخته خواهد شد بلكه تجارتش براي مقربان درگاه خداوند خواهد بود تا به سيري بخورند و لباس فاخر بپوشند.

اينك خداوند زمين را خالي و ويران مي‌كند و آن را واژگون ساخته، ساكنانش را پراكنده مي‌سازد و مثل قوم، مثل كاهن و مثل بنده، مثل آقايش و مثل كنيز، مثل خاتونش و مثل مشنري، مثل فروشنده و مثل قرض‌دهنده، مثل قرض‌گيرنده و مثل سودخوار، مثل سود دهنده خواهد بود و زمين

بالکل خالی و بالکل غارت خواهد شد زیرا خداوند این سخن را گفته است. زمین ماتم می‌کند و پژمرده می‌شود. ربع مسکون کاهیده و پژمرده می‌گردد و شریفان اهل زمین کاهیده می‌شوند. زمین زیر ساکنانش ملوث می‌شود زیرا که از شرایع تجاوز نموده و فرایض را تبدیل کرده و عهد جاودانی را شکسته‌اند. بنابراین لعنت، جهان را فانی کرده است و ساکنانش سزا یافته‌اند. لهذا ساکنان زمین سوخته شده‌اند و مردمان، بسیار کم باقی مانده‌اند. شیره انگور ماتم می‌گیرد و مو کاهیده می‌گردد و تمامی شاددلان آه می‌کشند. شادمانی دف‌ها تلف شده، آواز عشرت‌کنندگان باطل و شادمانی بر بطنها ساکت خواهد شد. شراب را با سرودها نخواهند آشامید و مسکرات برای نوشندگان تلخ خواهد شد. قریه خرابه منهدم می‌شود و هر خانه بسته می‌گردد که کسی داخل آن نتواند شد. غوغایی برای شراب در کوچه‌ها است. هرگونه شادمانی تاریک گردیده و سرور زمین رفع شده است. ویرانی در شهر باقی است و دروازه‌هایش به هلاکت خرد شده است. زیرا که در وسط زمین در میان قوم‌هایش چنین خواهد شد مثل تکانیدن زیتون و مانند خوشه‌هایی که بعد از چیدن انگور باقی می‌ماند. اینان آواز خود را بلند کرده، ترم خواهند نمود و درباره‌ی کبریایی خداوند از دریا صدا خواهند زد. از این جهت خداوند را در بلاد مشرق و نام یهوه خدای اسرائیل را در جزیره‌های دریا تمجید نمایید. از کران‌های زمین سرودها را شنیدیم که عادلان را جلال باد. اما گفتیم: وا حسرتا، وا حسرتا، وا بر من! خیانت‌کاران خیانت ورزیده، خیانت‌کاران به شدت خیانت ورزیده‌اند.

ای ساکن زمین ترس و حفره و دام بر تو است. و واقع خواهد شد که هرکه از آواز ترس بگریزد به حفره خواهد افتاد و هر که از میان حفره برآید گرفتار دام خواهد شد زیرا که روزنه‌های علیین باز شده و اساس‌های زمین متزلزل می‌باشد. زمین بالکل منکسر شده است. زمین تماماً از هم پاشیده و زمین به شدت متحرک گشته است. زمین مثل مستان افتان و خیزان است و مثل سایه‌بان به چپ و راست متحرک و گناهِش بر آن سنگین است. پس افتاده است که بار دیگر نخواهد برخاست. و در آن روز واقع خواهد شد که خداوند گروه شریفان را بر مکان بلند ایشان و پادشاهان زمین را بر زمین سزا خواهد داد و ایشان مثل اسیران در چاه جمع خواهند شد و در زندان بسته خواهند گردید و بعد از روزهای بسیار، ایشان طلبیده خواهند شد. ماه خجل و آفتاب رسوا خواهد گشت زیرا که یهوه صباوت در کوه صهیون و در اورشلیم و به حضور مشایخ خویش، با جلال سلطنت خواهد نمود.

ای یهوه، تو خدای من هستی؛ پس تو را تسبیح می‌خوانم و نام تو را حمد می‌گویم، زیرا کارهای عجیب کرده‌ای و تقدیرهای قدیم تو امانت و راستی است. چون که شهری را توده و قریه حصین را خرابه گردانیده‌ای و قصر

غریبان را که شهر نباشد و هرگز بنا نگردد. بنابراین قوم عظیم، تو را تمجید می‌نمایند و قریه امت‌های ستم پیشه از تو خواهند ترسید. چون که برای فقیران قلعه و به جهت مسکینان در حین تنگی ایشان قلعه بودی و ملجا از توفان و سایه از گرمی، هنگامی که نفخه ستمکاران مثل توفان بر دیوار می‌بود و غوغای غریبان را مثل گرمی در جای خشک فرود خواهی آورد و سرود ستمکاران مثل گرمی از سایه‌ی ابر پست خواهد شد و یهوه صباوت در این کوه برای همه قوم‌ها ضیافتی از لذایذ برپا خواهد نمود، یعنی ضیافتی از شراب‌های کهنه، از لذایذ پر مغز و از شراب‌های کهنه‌ی مصفا و در این کوه روپوشی را که بر تمامی قوم‌ها گسترده است و ستري را که جمیع امت‌ها را می‌پوشاند تلف خواهد کرد و موت را تا ابدالآباد نابد خواهد ساخت و خداوند یهوه اشک‌ها را از هر چهره پاک خواهد نمود و عار قوم خویش را از روی تمامی زمین رفع خواهد کرد، زیرا خداوند گفته است. در آن روز خواهند گفت: «اینک این خدای ما است که منتظر او بوده‌ایم و ما را نجات خواهد داد. این خداوند است که منتظر او بوده‌ایم پس از نجات او مسرور و شادمان خواهیم شد.» زیرا که دست خداوند بر این کوه قرار خواهد گرفت و موآب در مکان خود پایمال خواهد شد چنانکه کاه در آب مزبله پایمال می‌شود و او دستهای خود را در میان آن خواهد گشود، مثل شناوری که به جهت شنا کردن دست‌های خود را می‌گشاید و غرور او را با حیل‌های دست‌هایش پست خواهد گردانید و قلعه بلند حصار‌هایت را خم کرده، به زیر خواهد افکند و بر زمین با غبار یکسان خواهد ساخت.

در آن روز، این سرود در زمین یهودا سراییده خواهد شد؛ ما را شهری قوی است که دیوارها و حصار آن نجات است. دروازه‌ها را بگشایید تا امت عادل که امانت را نگاه می‌دارند داخل شوند. دل ثابت را در سلامتی کامل نگاه خواهی داشت، زیرا که بر تو توکل دارد. بر خداوند تا به ابد توکل نمایید، چون که در پاه یهوه صخره جاودانی است. زیرا آنانی را که بر بلندبها ساکنند، فرود می‌آورد؛ و شهر رفیع را به زیر می‌اندازد. آن را به زمین انداخته، با خاک یکسان می‌سازد. پاها آن را پامال خواهد کرد، یعنی پاهای فقیران و قدم‌های مسکینان. طریق عادلان استقامت است. ای تو که مستقیم هستی، طریق عادلان را هموار خواهی ساخت. پس ای خداوند در طریق داوریهایی تو انتظار تو را کشیده‌ایم و جان ما به اسم تو و ذکر تو مشتاق است. شبانگاه به جان خود مشتاق تو هستیم و بامدادان به روح خود در اندرونم تو را می‌طلبیم زیرا هنگامی که داوریهایی تو بر زمین آید سکنه ربع مسکون عدالت را خواهند آموخت. هر چند بر شریب ترخم شود عدالت را نخواهد آموخت. در زمین راستان شرارت می‌ورزد و جلال خداوند را مشاهده نمی‌نماید. ای خداوند دست تو برافراشته شده است اما نمی‌بینند. لیکن چون غیرت تو را برای قوم ملاحظه کنند، خجل

خواهند شد و آتش نیز دشمنان را فرو خواهد برد. ای خداوند سلامتی را برای ما تعیین خواهی نمود. زیرا که تمام کارهای ما را نیز برای ما به عمل آورده‌ای. ای یهوه خدای ما آقایان غیر از تو بر ما استیلا داشتند. اما به تو فقط اسم تو را ذکر خواهیم کرد. ایشان مردند و زنده نخواهند شد. خیال‌ها گردیدند و نخواهند برخاست. بنابراین ایشان را سزا داده، هلاک ساختی و تمام ذکر ایشان را محو نمودی. قوم را افزودی ای خداوند، قوم را مزید ساخته، خویشان را جلال دادی و تمامی حدود زمین را وسیع گردانیدی. ای خداوند ایشان در حین تنگی، تو را خواهند طلبید و چون ایشان را تأیید نمایی دعاهای خفیه خواهند ریخت. مثل زن حامله‌ای که نزدیک زاییدن باشد و درد او را گرفته، از آلام خود فریاد بکند، همچنین ما نیز ای خداوند در حضور تو هستیم. حامله شده، درد زه ما را گرفت و باد را زاییدیم. و در زمین هیچ نجات به ظهور نیاوردیم و ساکنان ربع مسکون نیفتادند. مرده‌گان تو زنده خواهند شد و جسد‌های من خواهند برخاست. ای شما که در خاک ساکنید بیدار شده، ترم نمایید! زیرا که شب‌نم تو شب‌نم نباتات است و زمین مرده‌گان خود را بیرون خواهد افکند. ای قوم من بیایید به حجره‌های خویش داخل شوید و درهای خود را در عقب خویش ببندید. خویشان را اندک لحظه‌ای پنهان کنید تا غضب بگذرد. زیرا اینک خداوند از مکان خود بیرون می‌آید تا سزای گناهان ساکنان زمین را به ایشان برساند. پس زمین خونهای خود را مکشوف خواهد ساخت و کشتگان خویش را دیگر پنهان نخواهد نمود.

در آن روز خداوند به شمشیر سخت عظیم محکم خود آن مار تیز رو لویاتان را و آن مار پیچیده لویاتان را سزا خواهد داد و آن اژدها را که در دریا است خواهد کشت. در آن روز برای آن تاکستان شراب بسرایید. من که یهوه هستم آن را نگاه می‌دارم و هر دقیقه آن را آبیاری می‌نمایم. شب و روز آن را نگاهبانی می‌نمایم که مبادا احدی به آن ضرر برساند. خشم ندارم. کاش که خس و خار با من به جنگ می‌آمدند تا بر آن‌ها هجوم آورده، آن‌ها را با هم می‌سوزانیدم. یا به قوت من متمسک می‌شد تا با من صلح بکنند و با من صلح می‌نمود. در ایام آینده، یعقوب ریشه خواهد زد و اسرائیل غنچه و شکوفه خواهد آورد. و ایشان روی ربع مسکون را از میوه پر خواهند ساخت. آیا او را زد به طوری که دیگران او را زدند؟ یا کشته شد به طوری که مقتولان وی کشته شدند؟ چون او را دور ساختی به اندازه با وی معارضه نمودی. با باد سخت خویش او را در روز باد شرقی زایل ساختی. بنابراین گناه یعقوب از این کفاره شده و رفع گناه او تمامی نتیجه آن است. چون تمامی سنگ‌های مذبح را مثل سنگ‌های آهک نرم شده می‌گرداند، آنگاه اشیریم و بت‌های آفتاب دیگر برپا نخواهد شد. زیرا که آن شهر حصین منفرد خواهد شد و آن مسکن، مهجور و مثل بیابان و گذاشته خواهد شد. در آنجا گوساله‌ها خواهند چرید و در آن

خوابیده، شاخه‌هایش را تلف خواهند کرد. چون شاخه‌هایش خشک شود شکسته خواهد شد. پس زنان آمده، آن‌ها را خواهند سوزانید، زیرا که ایشان قوم بی‌فهم هستند. لهذا آفریننده ایشان بر ایشان ترحم نخواهد نمود و خالق ایشان بر ایشان شفقت نخواهد کرد.

و در آن روز واقع خواهد شد که خداوند از مسیل نهر فرات تا وادی مصر غله را خواهد کوبید و شما ای بنی‌اسرائیل یکی یکی جمع کرده خواهید شد. و در آن روز واقع خواهد شد که گرنای بزرگ نواخته خواهد شد و گمشدگان زمین آشور و رانده شده‌گان زمین مصر خواهند آمد و خداوند را در کوه مقدس یعنی در اورشلیم عبادت خواهند نمود.

وای بر تاج تکبر میگساران افرایم و برگل پژمرده زیبای جلال وی، که بر سر وادی بارور مغلوبان شراب است. اینک خداوند کسی زور آور و توانا دارد که مثل تگرگ شدید و توفان مهلك و مانند سیل آب‌های زور آور سرشار، آن را به زور بر زمین خواهد انداخت و تاج تکبر میگساران افرایم زیر پاها پایمال خواهد شد و گل پژمرده‌ی زیبای جلال وی که بر سر وادی بارور است، مثل نویر انجیرها قبل از تابستان خواهد بود که چون بیننده آن را ببندد وقتی که هنوز در دستش باشد آن را فرو می‌برد و در آن روز یهوه صباپوت به جهت بقیه‌ی قوم خویش تاج جلال و افسر جمال خواهد بود و روح انصاف برای آنانی که به داوری می‌نشینند و قوت برای آنانی که جنگ را به دروازه‌ها برمی‌گردانند خواهد بود. ولیکن اینان نیز از شراب گمراه شده‌اند و از مسکرات سرگشته گردیده‌اند. هم کاهن و هم نبی از مسکرات گمراه شده‌اند و از شراب بلعیده گردیده‌اند. از مسکرات سرگشته شده‌اند و در رؤیا گمراه گردیده‌اند و در داوری مبهوت گشته‌اند. زیرا که همه سفره‌ها از قی و نجاست پر گردیده و جایی نمانده است. کدام را معرفت خواهد آموخت و اخبار را به که خواهد فهمانید؟ آیا نه آنانی را که از شیر باز داشته و از پستان‌ها گرفته شده‌اند؟ زیرا که حکم بر حکم و حکم بر حکم، قانون بر قانون و قانون بر قانون این‌جا اندکی و آن‌جا اندکی خواهد بود. زیرا که با لب‌های الکن و زبان غریب با این قوم تکلم خواهد نمود که به ایشان گفت: «راحت همین است. پس خسته شدگان رامستریح سازید و آرامی همین است.» اما نخواستند که بشنوند. و کلام خداوند برای ایشان حکم بر حکم و حکم بر حکم، قانون بر قانون و قانون بر قانون، این‌جا اندکی و آن‌جا اندکی خواهد بود تا بروند و به پشت افتاده، منکسر گردند و به دام افتاده، گرفتار شوند. بنابراین، ای مردان استهزاکننده و ای حاکمان این قوم که در اورشلیم‌اند کلام خداوند را بشنوید. از آن‌جا که گفته‌اید با موت عهد بسته‌ایم و با هاویه همداستان شده‌ایم، پس چون تازیانه مهلك بگذرد به ما نخواهد رسید زیرا که دروغ‌ها را ملجای خود نمودیم و خویشتن را زیر مکر مستور ساختیم. بنابراین خداوند یهوه چنین می‌گوید: «اینک در صهیون سنگ بنیادی نهادم یعنی

سنگ آزموده و سنگ زاویه‌ای گران‌بها و اساس محکم پس هر که ایمان آورد تعجیل نخواهد نمود و انصاف را ریسمان می‌گردانم و عدالت را ترازو و تگرگ ملجای دروغ را خواهد رُفت و آبها ستر را خواهد برد و عهد شما با موت باطل خواهد شد و میثاق شما با هاویه ثابت نخواهد ماند و چون تازیانه شدید بگذرد شما از آن پایمال خواهید شد. هر وقت که بگذرد شما را گرفتار خواهد ساخت زیرا که هر بامداد هم در روز و هم در شب خواهد گذشت و فهمیدن اخبار باعث هیبت محض خواهد شد. زیرا که بستر کوتاهتر است از آن که کسی بر آن دراز شود و لحاف تنگتر است از آنکه کسی خویشتن را بپوشاند. زیرا خداوند چنان که در کوه فراصیم کرد خواهد برخاست و چنان که در وادی جبعون نمود خشمناک خواهد شد تا کار خود یعنی کار عجیب خود را به جا آورد و عمل خویش یعنی عمل غریب خویش را به انجام رساند. پس الآن استهزا منماید مبدا بندهای شما محکم گردد زیرا هلاکت و تقدیری را که از جانب خداوند یهوه صباپوت بر تمامی زمین می‌آید شنیده‌ام. گوش گیرید و آواز مرا بشنوید و متوجه شده، کلام مرا استماع نمایید. آیا برزگر، همه روز به جهت تخم پاشیدن شیار می‌کند و آیا همه وقت زمین خود را می‌شکافتد و هموار می‌نماید؟ آیا بعد از آنکه رویش را هموار کرد، گشنیز را نمی‌پاشد و زیره را نمی‌افشاند و گندم را در شیارها و جو را در جای معین و ذرت را در حدودش نمی‌گذارد؟ زیرا که خدایش او را به راستی می‌آموزد و او را تعلیم می‌دهد. چون که گشنیز با گردون نیز کوبیده نمی‌شود و چرخ ارابه بر زیره گردانیده نمی‌گردد، بلکه گشنیز به عصا و زیره به چوب تکانیده می‌شود. گندم آرد می‌شود زیرا که آن را همیشه خرمن‌کوبی نمی‌کند و هر چند چرخ ارابه و اسبان خود را بر آن بگرداند، آن را خرد نمی‌کند. این نیز از جانب یهوه صباپوت که عجیب‌الرای و عظیم‌الحکمت است، صادر می‌گردد.

وای بر اریئیل! وای بر اریئیل! شهری که داود در آن خیمه زد. سال بر سال مزید کنید و عیدها دور زنند. من اریئیل را به تنگی خواهم انداخت و ماتم و نوحه‌گری خواهد بود و آن برای من مثل اریئیل خواهد بود و بر تو به هر طرف اردو زده، تو را به باره‌ها محاصره خواهم نمود و منجیق‌ها بر تو خواهم افراشت و به زیر افکنده شده، از زمین تکلم خواهی نمود و کلام تو از میان غبار پست خواهد گردید و آواز تو از زمین مثل آواز جنّ خواهد بود و زبان تو از میان غبار زمزمه خواهد کرد. اما گروه دشمنانت مثل گرد نرم خواهند شد و گروه ستم‌کیشان مانند کاه که می‌گذرد و این بخته در لحظه‌ای واقع خواهد شد. از جانب یهوه صباپوت با رعد و زلزله و صوت عظیم و گردباد و توفان و شعله‌ی آتش سوزنده از تو پرسش خواهد شد و جمعیت تمام امت‌هایی که با اریئیل جنگ می‌کنند، یعنی تمامی آنانی که بر او و بر قلعه وی مقاتله می‌نمایند و او را به تنگ

می‌آورند مثل خواب و رؤیای شب خواهند شد و مثل شخص گرسنه که خواب می‌بیند که می‌خورد و چون بیدار شود شکم او تهی است. یا شخص تشنه که خواب می‌بیند که آب می‌نوشد و چون بیدار شود اینک ضعف دارد و جانش مشتبه می‌باشد. همچنین تمامی جماعت امت‌هایی که با کوه صهیون جنگ می‌کنند خواهند شد. درنگ کنید و متحیر باشید و تمتع برید و کور باشید. ایشان مست می‌شوند، لیکن نه از شراب و نوان می‌گردند، اما نه از مسکرات. زیرا خداوند بر شما روح خواب سنگین را عارض گردانیده، چشمان شما را بسته است و انبیا و رؤسای شما یعنی رانین را محجوب کرده است و تمامی رؤیا برای شما مثل کلام تومار مختوم گردیده است که آن را به کسی که خواندن می‌داند داده، می‌گویند: این را بخوان و او می‌گوید: نمی‌توانم چونکه مختوم است و آن تومار را به کسی که خواندن نداند داده، می‌گویند این را بخوان و او می‌گوید خواندن نمی‌دانم. خداوند می‌گوید: «چون که این قوم از دهان خود به من تقرّب می‌جویند و به لب‌های خویش مرا تمجید می‌نمایند، اما دل خود را از من دور کرده‌اند و ترس ایشان از من وصیّتی است که از انسان آموخته‌اند؛ بنابراین اینک من بار دیگر با این قوم عمل عجیب و غریب به‌جا خواهم آورد و حکمت حکیمان ایشان باطل و فهم فهیمان ایشان مستور خواهد شد.»

وای بر آنانی که مشورت خود را از خداوند بسیار عمیق پنهان می‌کنند و اعمال ایشان در تاریکی می‌باشد و می‌گویند: «کیست که ما را ببیند و کیست که ما را بشناسد؟» ای زیر و زبر کنندگان هر چیز! آیا کوزمگر مثل گل محسوب شود یا مصنوع درباره‌ی صانع خود گوید مرا نساخته است و یا تصویر درباره‌ی مصوّرش گوید که فهم ندارد؟ آیا در اندک زمانی واقع نخواهد شد که لبنان به بوستان مبدّل گردد و بوستان به جنگل محسوب شود؟ در آن روز گران کلام کتاب را خواهند شنید و چشمان کوران از میان ظلمت و تاریکی خواهد دید و حلیمان شادمانی خود را در خداوند مزید خواهند کرد و مسکینان مردمان در قدّوس اسرائیل وجد خواهند نمود. زیرا که ستمگران نابود و استهزاکنندگان معدوم خواهند شد و پیروان شرارت منقطع خواهند گردید. که انسان را به سخنی مجرم می‌سازند و برای کسی که در محکمه حکم می‌کند دام می‌گسترانند و عادل را به بطالت منحرف می‌سازند. بنابراین خداوند که ابراهیم را فدیّه داده است درباره‌ی خاندان یعقوب چنین می‌گوید که از این به بعد یعقوب خجل نخواهد شد و رنگ چهره‌اش دیگر نخواهد پرید. بلکه چون فرزندان خود را که عمل دست من می‌باشند، در میان خویش ببیند، آن‌گاه ایشان نام مرا تقدیس خواهند نمود و قدّوس یعقوب را تقدیس خواهند کرد و از خدای اسرائیل خواهند ترسید و آنانی که روح گمراهی دارند فهیم خواهند شد و متمرّدان تعلیم را خواهند آموخت.

خداوند می‌گوید که وای بر پسران فتنه‌انگیز که مشورت می‌کنند لیکن نه از من، و عهد می‌بندند لیکن نه از روح من، تا گناه را بر گناه مزید نمایند. که برای فرود شدن به مصر عزیمت می‌کنند اما از دهان من سؤال نمی‌نمایند و به قوت فرعون پناه می‌گیرند و به سایه‌ی مصر اعتماد دارند. لهذا قوت فرعون خجالت و اعتماد به سایه‌ی مصر رسوایی شما خواهد بود. زیرا که سروران او در صوعن هستند و ایلچیان وی به حانیس رسیده‌اند. همگی ایشان از قومی که برای ایشان فایده ندارند، خجل خواهند شد که نه معاونت و نه منفعتی بلکه خجالت و رسوایی نیز برای ایشان خواهند بود.

وحي دربارهٔ بهیموت جنوبي

از میان زمین تنگ و ضیق که از آنجا شیر ماده و اسد وافعی و مار آتشین پرده می‌آید، توانگری خویش را بر پشت الاغان و گنج‌های خود را بر کوهان شتران نزد قومی که منفعت ندارند می‌برند. چون که اعانت مصریان عبث و بی‌فایده است از این جهت ایشان را رهبالجوس نامیدم. الان بیا و این را در نزد ایشان بر لوحی بنویس و بر توماری مرقوم ساز تا برای ایام آینده تا ابدالآباد بماند. زیرا که این قوم فتنه‌انگیز و پسران دروغگو می‌باشند. پسرانی که نمی‌خواهند شریعت خداوند را استماع نمایند. که به رانیان می‌گویند: رؤیت مکنید و به انبیا می‌گویند که برای ما به راستی نبوت ننمایید بلکه سخنان شیرین به ما گویند و به مکاید نبوت کنید. از راه منحرف شوید و از طریق تجاوز نمایند و قدوس اسرائیل را از نظر ما دور سازید. بنابراین قدوس اسرائیل چنین می‌گوید: «چون‌که شما این کلام را ترک کردید و بر ظلم و فساد اعتماد کرده، بر آن تکیه نمودید، از این جهت این گناه برای شما مثل شکاف نزدیک به افتادن که در دیوار بلند پیش آمده باشد و خرابی آن در لحظه‌ای بغتة پدید آید خواهد بود و شکستگی آن مثل شکستگی کوزه‌ی کوزه‌گر خواهد بود که بی‌محابا خرد می‌شود، به طوری که از پاره‌هایش پاره‌ای به جهت گرفتن آتش از آتشدان یا برداشتن آب از حوض یافت نخواهد شد.» زیرا خداوند یهوه قدوس اسرائیل چنین می‌گوید: «به انابت و آرامی نجات می‌یافتید و قوت شما از راحت و اعتماد می‌بود؛ اما نخواستید. و گفتید: نی بلکه بر اسبان فرار می‌کنیم، لهذا فرار خواهید کرد و بر اسبان تیزرو سوار می‌شویم؛ لهذا تعاقب کنندگان شما تیزرو خواهند شد. هزار نفر از نهیب یک نفر فرار خواهند کرد و شما از نهیب پنج نفر خواهید گریخت تا مثل بیرق بر قلعه‌ی کوه و علم بر تلی باقی مانید.» و از این سبب خداوند انتظار می‌کشد تا بر شما رأفت نماید و از این سبب برمی‌خیزد تا بر شما ترحم فرماید چون که یهوه خدای انصاف است. خوشا به حال همه‌گانی که منتظر وی باشند.

زیرا که قوم در صهیون در اورشلیم ساکن خواهند بود و هرگز گریه نخواهی کرد و به آواز فریادت بر تو ترحم خواهد کرد، و چون بشنود تو را اجابت خواهد نمود و هر چند خداوند شما را نان ضیق و آب مصیبت بدهد، اما معلمانت بار دیگر مخفی نخواهند شد بلکه چشمانت معلمان تو را خواهد دید و گوش‌هایت سخنی را از عقب تو خواهد شنید که می‌گوید: راه این است، در آن سلوک بنما هنگامی که به طرف راست یا چپ می‌گردی. پوشش بت‌های ریخته نقره خویش را و ستر اصنام تراشیده طلای خود را نجس خواهید ساخت و آن‌ها را مثل چیز نجس دور انداخته، به آن خواهی گفت: دور شو. باران تخمت را که زمین خویش را به آن زرع می‌کنی و نان محصول زمینت را خواهد داد و آن پرمغز و فراوان خواهد شد و در آن زمان موآشی تو در مرتع وسیع خواهند چرید و گاو و الاغانت که زمین را شیار می‌نمایند، آنوقت نمک‌دار را که با غربال و اوچوم پاک شده است خواهند خورد و در روز کشتار عظیم که برج‌ها در آن خواهد افتاد، نهرها و جوی‌های آب بر هر کوه بلند و به هر تل مرتفع جاری خواهد شد. در روزی که خداوند شکستگی قوم خود را ببندد و ضرب جراحت ایشان را شفا دهد، روشنایی ماه مثل روشنایی آفتاب و روشنایی آفتاب هفت چندان مثل روشنایی هفت روز خواهد بود. اینک اسم خداوند از جای دور می‌آید، در غضب خود سوزنده و در ستون غلیظ و لب‌هایش پر از خشم و زبانش مثل آتش سوزان است و نفخه او مثل نهر سرشار تا به گردن می‌رسد تا آن که امت‌ها را به غربال مصیبت ببیزد و دهنه‌ی ضلالت را بر چانه‌ی قوم‌ها بگذارد و شما را سرودی خواهد بود مثل شب تقدیس نمودن عید و شادمانی دل مثل آنانی که روانه می‌شوند تا به آواز نی به کوه خداوند نزد صخره اسرائیل بیایند.

خداوند جلال آواز خود را خواهد شنواید و فرود آوردن بازوی خود را با شدت غضب و شعله آتش سوزنده و توفان و سیل و سنگ‌های تگرگ ظاهر خواهد ساخت. زیرا که آشور به آواز خداوند شکسته خواهد شد و او را با عصا خواهد زد. و هر ضرب عصای قضا که خداوند به وی خواهد آورد با دَفّ و بربط خواهد بود و با جنگ‌های پر شورش با آن مقاتله خواهد نمود. زیرا که تُوَقُّتْ از قبل مهیا شده و برای پادشاه آماده گردیده است. آن را عمیق و وسیع ساخته است که توده‌اش آتش و هیزم بسیار است و نفخه خداوند مثل نهر کبریت آن را مشتعل خواهد ساخت.

تنگی و اعانت

وای بر تو ای غارتگر که غارت نشدی و ای خیانت‌کاری که با تو خیانت نوزیدند. هنگامی که غارت را به اتمام رسانیدی، غارت خواهی شد و زمانی که از خیانت نمودن دست برداشتی، به تو خیانت خواهند ورزید.

ای خداوند بر ما ترحم فرما زیرا که منتظر تو می‌باشیم و هر بامداد بازوی ایشان باش و در زمان تنگی نیز نجات ما بشو. از آوازِ غوغا قوم‌ها گریختند و چون خویشان را برافرازی امت‌ها پراکنده خواهند شد و غارت شما را جمع خواهند کرد به‌طوری که موران جمع می‌نمایند و بر آن خواهند جهید به‌طوری که ملخ‌ها می‌جهند. خداوند متعال می‌باشد زانرو که در اعلی‌علیین ساکن است و صهیون را از انصاف و عدالت مملو خواهد ساخت و فراوانی نجات و حکمت و معرفت استقامت اوقات تو خواهد شد و ترس خداوند خزینه او خواهد بود. اینک شجاعان ایشان در بیرون فریاد می‌کنند و رسولان سلامتی زار زار گریه می‌نمایند. شاهراها ویران می‌شود و راهگذریان تلف می‌گردند. عهد را شکسته است، شهرها را خوار نموده و به مردمان اعتنا نکرده است. زمین ماتمکنان کاهیده شده است و لبنان خجل گشته، تلف گردیده است و شارون مثل بیابان شده و باشان و گرمُل برگ‌های خود را ریخته‌اند. خداوند می‌گوید که الآن برمی‌خیزم و حال خود را برمی‌افرازم و اکنون متعال خواهم گردید و شما از گاه حامله شده، خس خواهید زایدید. نفس شما آتشی است که شما را خواهد سوزانید. قوم‌ها مثل آهک سوخته و مانند خارهای قطع شده که از آتش مشتعل گردد خواهند شد.

ای شما که دور هستید، آنچه را که کرده‌ام بشنوید و ای شما که نزدیک می‌باشید، جبروت مرا بدانید. گناهکارانی که در صهیون اند می‌ترسند. لرزه منافقان را فرو گرفته است و می‌گویند: کیست از ما که در آتش سوزنده ساکن خواهد شد و کیست از ما که در نارهای جاودانی ساکن خواهد گردید؟ اما آن که به صداقت سالک باشد و به استقامت تکلم نماید و سود ظلم را خوار شمارد و دست خویش را از گرفتن رشوه بیفشاند و گوش خود را از اصغای خون ریزی ببندد و چشمان خود را از دیدن بدی‌ها بر هم کند؛ او در مکان‌های بلند ساکن خواهد شد و ملجای او ملاذ صخره‌ها خواهد بود. نان او داده خواهد شد و آب او ایمن خواهد بود. چشمانت پادشاه را در زیباییش خواهد دید و زمین بی‌پایان را خواهد نگرست. دل تو متذکر آن خوف خواهد شد و خواهی گفت: کجا است نویسنده و کجا است وزن‌کننده‌ی خراج و کجا است شمارنده‌ی برج‌ها؟ قوم ستم‌پیشه و قوم دشوار لغت را که نمی‌توانی شنید و الکن زبان را که نمی‌توانی فهمید بار دیگر نخواهی دید. صهیون شهر جشن مقدس ما را ملاحظه نما. چشمانت اورشلیم مسکن سلامتی را خواهد دید یعنی خیمه‌ای را که منتقل نشود و میخ‌هایش کنده نگردد و هیچ‌کدام از طناب‌هایش گسیخته نشود. بلکه در آن جا خداوند ذوالجلال برای ما مکان جوی‌های آب و نهرهای وسیع خواهد بود که در آن هیچ کشتی با پاروها داخل نخواهد شد و سفینه‌ی بزرگ از آن عبور نخواهد کرد. زیرا خداوند داور ما است. خداوند شریعت دهنده‌ی ما است. خداوند پادشاه ما است. پس ما را نجات خواهد داد.

ریسمان‌های تو سست بود که پایه‌ی دکل خود را نتوانست محکم نگاه دارد و بادبان را نتوانست بگشاید، آنگاه غارت بسیار تقسیم شد و لنگان غنیمت را بردند. لیکن ساکن آن نخواهد گفت که بیمار هستم و گناه قومی که در آن ساکن باشند آمرزیده خواهد شد.

داوری امت‌ها

ای امت‌ها نزدیک آید تا بشنوید! و ای قوم‌ها اصغا نمایید! جهان و پری آن بشنوند. ربع مسکون و هر چه از آن صادر باشد. زیرا که غضب خداوند بر تمامی امت‌ها و خشم وی بر جمیع لشکرهای ایشان است. پس ایشان را به هلاکت سپرده، به قتل تسلیم نموده است و کشتگان ایشان دور افکنده می‌شوند، عفونت لاش‌های ایشان برمی‌آید و از خون ایشان کوه‌ها گداخته می‌گردد و تمامی لشکر آسمان از هم خواهند پاشید و آسمان مثل تومار پیچیده خواهد شد. و تمامی لشکر آن پژمرده خواهند گشت، به طوری که برگ از مو بریزد و مثل میوه‌ی نارس از درخت انجیر. زیرا که شمشیر من در آسمان سیراب شده است و اینک بر ادم و بر قوم مغضوب من برای داوری نازل می‌شود. شمشیر خداوند پر خون شده و از پیه فربه گردیده است؛ یعنی از خون بره‌ها و بزها و از پیه گرده قوچ‌ها. زیرا خداوند را در بصره قربانی است و ذبح عظیمی در زمین ادم و گاوان وحشی با آن‌ها خواهند افتاد و گوساله‌ها با گاوان نر، و زمین ایشان از خون سیراب شده، خاک ایشان از پیه فربه خواهد شد. زیرا خداوند را روز انتقام و سال عقوبت به جهت دعوی صهیون خواهد بود. نهرهای آن به قیر و غبار آن به کبریت مبدل خواهد شد و زمینش قیر سوزنده خواهد گشت. شب و روز خاموش نشده، دودش تا به ابد خواهد برآمد. نسل بعد نسل خراب خواهد ماند که کسی تا ابدالآباد در آن گذر نکند. بلکه مرغ سقا و خارپشت آن را تصرف خواهند کرد و بوم و غراب در آن ساکن خواهند شد و ریسمان خرابی و شاقول ویرانی را بر آن خواهد کشید و از اشراف آن کسی در آن جا نخواهد بود که او را به پادشاهی بخوانند و جمیع رؤسایش نیست خواهند شد و در قصرهایش خارها خواهد رویید و در قلعه‌هایش خسک و شترخار و مسکن گرگ و خانه‌ی شترمرغ خواهد شد. وحوش بیابان با شغال خواهند برخورد و گول به رفیق خود ندا خواهد داد و عفریت نیز در آن جا مأوا گزیده، برای خود آرامگاهی خواهد یافت. در آنجا تیرمار آشیانه ساخته، تخم خواهد نهاد و بر آن نشسته، بچه‌های خود را زیر سایه خود جمع خواهد کرد و در آن جا کرکس‌ها با یکدیگر جمع خواهند شد. از کتاب خداوند تفتیش نموده، مطالعه کنید. یکی از این‌ها گم نخواهد شد و یکی جفت خود را مفقود نخواهد یافت زیرا که دهان او این را امر فرموده و روح او این‌ها را جمع کرده است و او برای آن‌ها قرعه

انداخته و دست او آن را به جهت آن‌ها با ریسمان تقسیم نموده است و تا ابدالآباد متصرف آن خواهند شد و نسلأ بعد نسل در آن سکونت خواهند داشت.

بیماری حزقیا

در آن ایام حزقیا بیمار و مشرف به موت شد و اشعیا ابن آموص نبی نزد وی آمده، او را گفت: «خداوند چنین می‌گوید: تدارک خانه خود را ببین زیرا که می‌میری و زنده نخواهی ماند.»
آن‌گاه حزقیا روی خود را به سوی دیوار برگردانیده، نزد خداوند دعا نمود و گفت: «ای خداوند مستدعی این که بهیاد آوری که چه‌گونه به حضور تو به امانت و به دل کامل سلوک نموده‌ام و آن چه در نظر تو پسند بوده است به‌جا آورده‌ام.»

پس حزقیا زار زار بگریست و کلام خداوند بر اشعیا نازل شده، گفت: برو و به حزقیا بگو یهوه خدای پدرت داود چنین می‌گوید: دعای تو را شنیدم و اشک‌هایت را دیدم. اینک من بر روزهای تو پانزده سال افزودم. و تو را و این شهر را از دست پادشاه آشور خواهم رهانید و این شهر را حمایت خواهم نمود و علامت از جانب خداوند که خداوند این کلام را که گفته است به‌جا خواهد آورد این است: اینک سایه‌ی درجاتی که از آفتاب بر ساعت آفتابی آواز پایین رفته است ده درجه به عقب برمی‌گردانم.»
پس آفتاب از درجاتی که بر ساعت آفتابی پایین رفته بود، ده درجه برگشت.

مکتوب حزقیا

حزقیا پادشاه یهودا وقتی که بیمار شد و از بیماری‌اش شفا یافت گفت: گفتم: «اینک در فیروزی ایام خود به درهای هاویه می‌روم و از بقیه‌ی سال‌های خود محروم می‌شوم. گفتم: خداوند را مشاهده نمی‌نمایم. خداوند را در زمین زنده‌گان نخواهم دید. من با ساکنان عالم فنا انسان را دیگر نخواهم دید. خانه من کنده گردید و مثل خیمه شبان از من برده شد. مثل نساج عمر خود را پیچیدم. او مرا از نورده خواهد برید. روز و شب مرا تمام خواهی کرد. تا صبح انتظار کشیدم. مثل شیر همچنین تمامی استخوان‌هایم را می‌شکند. روز و شب مرا تمام خواهی کرد. مثل پرستوک که جیک جیک می‌کند صدا می‌نمایم و مانند فاخته ناله می‌کنم و چشمانم از نگرستن به بالا ضعیف می‌شود. ای خداوند در تنگی هستم. کفیل من باش.»

چه بگویم چون که او به من گفته است و خود او کرده است. تمامی سال‌های خود را به سبب تلخی جانم آهسته خواهم رفت. ای خداوند به این چیزها مردمان زیست می‌کنند و به این‌ها و بس حیات روح من می‌باشد. پس مرا شفا بده و مرا زنده نگاه دار. اینک تلخی سخت من باعث سلامتی من شد. از راه لطف جانم را از چاه هلاکت برآوردی زیرا که تمامی گناهانم را به پشت سر خود انداختی. زیرا که هاویه تو را حمد نمی‌گوید و موت تو را تسبیح نمی‌خواند و آنانی که به حفره فرو می‌روند به امانت تو امیدوار نمی‌باشند. زندگانند، زندگانند که تو را حمد می‌گویند، چنان که من امروز می‌گویم. پدران به پسران راستی تو را تعلیم خواهند داد. خداوند به جهت نجات من حاضر است، پس سرودهایم را در تمامی روزهای عمر خود در خانه‌ی خداوند خواهیم سراپید.»

و اشعیا گفته بود که «قرصی از انجیر بگیرید و آن را بر دمل بنهید که شفا خواهد یافت.»

حزقیّا گفته بود: «علامتی که به خانه‌ی خداوند برخواهم آمد چیست؟»

فرستاده‌گان بابل

در آن زمان مرّودک بلدان بن بلدان پادشاه بابل مکتوبی و هدیه‌ای نزد حزقیّا فرستاد زیرا شنیده بود که بیمار شده و صحّت یافته است. حزقیّا از ایشان مسرور شده، خانه‌ی خزاین خود را از نقره و طلا و عطریّات و روغن معطر و تمام اسلحه‌خانه‌ی خویش و هرچه را که در خزاین او یافت می‌شد به ایشان نشان داد و در خان‌هانش و در تمامی مملکتش چیزی نبود که حزقیّا آن را به ایشان نشان نداد. پس اشعیا نبی نزد حزقیّا پادشاه آمده، وی را گفت: «این مردمان چه گفتند و نزد تو از کجا آمدند؟»

حزقیّا گفت: «از جای دور یعنی از بابل نزد من آمدند.»

او گفت: «در خانه تو چه دیدند؟»

حزقیّا گفت: «هرچه در خانه من است دیدند و چیزی در خزاین من نیست که به ایشان نشان ندادم.»

پس اشعیا به حزقیّا گفت: «کلام یهوه صباپوت را بشنو: اینک روزها می‌آید که هرچه در خانه‌ی تو است و آنچه پدران تو تا امروز ذخیره کرده‌اند به بابل برده خواهد شد. خداوند می‌گوید که چیزی از آن‌ها باقی نخواهد ماند و بعضی از پسران تو را که از تو پدید آیند و ایشان را تولید نمایی خواهند گرفت و در قصر پادشاه بابل خواجه‌سرا خواهند شد.»

حزقیّا به اشعیا گفت: «کلام خداوند که گفتی نیکو است و دیگر گفت: هرآینه در ایّام من سلامتی و امان خواهد بود.»

مددکار اسرائیل

ای جزیره‌ها به حضور من خاموش شوید! و قبیله‌ها قوت تازه بهم رسانند! نزدیک بیایند، آنگاه تکلم نمایند. با هم به محاکمه نزدیک بیاییم. کیست که کسی را از مشرق برانگیخت که عدالت او را نزد پاهای وی می‌خواند، امت‌ها را به وی تسلیم می‌کند و او را بر پادشاهان مسلط می‌گرداند و ایشان را مثل غبار به شمشیر وی و مثل گاه که پراکنده می‌گردد به کمان وی تسلیم خواهد نمود؟ ایشان را تعاقب نموده، به راهی که با پاهای خود نرفته بود، به سلامتی خواهد گذشت. کیست که این را عمل نموده و به‌جا آورده، و طبقات را از ابتدا دعوت نموده است؟ من که یهوه و اولین و آخرین می‌باشم من هستم.

جزیره‌ها دیدند و ترسیدند و اقصای زمین بلرزیدند و تقرّب جستند، آمدند. هر کس همسایه خود را اعانت کرد و به برادر خود گفت: قوی دل باش. نجار، زرگر را و آن که با چکش صیقل می‌کند سندان‌زننده را تقویت می‌نماید و در باره لحیم می‌گوید: که خوب است و آن را به میخ‌ها محکم می‌سازد تا متحرک نشود.

اما تو ای اسرائیل بنده من و ای یعقوب که تو را برگزیده‌ام و ای ذریّت دوست من ابراهیم، که تو را از اقصای زمین گرفته‌ام، تو را از کرانه‌هایش خوانده‌ام و به تو گفته‌ام تو بنده من هستی، تو را برگزیدم و ترک ننمودم. مترس زیرا که من با تو هستم و مشوّش مشو زیرا من خدای تو هستم! تو را تقویت خواهم نمود و البته تو را معاونت خواهم داد و تو را به دست راست عدالت خود دستگیری خواهم کرد. اینک همه آنانی که بر تو خشم دارند، خجل و رسوا خواهند شد و آنانی که با تو معارضه نمایند ناچیز شده، هلاک خواهند گردید. آنانی را که با تو مجادله نمایند جستجو کرده، نخواهی یافت و آنانی که با تو جنگ کنند نیست و نابود خواهند شد. زیرا من که یهوه خدای تو هستم دست راست تو را گرفته‌ام، به تو می‌گویم: مترس زیرا من تو را نصرت خواهم داد. ای کرم یعقوب و شردّمه اسرائیل مترس زیرا خداوند و قدّوس اسرائیل که ولی تو می‌باشد می‌گوید: من تو را نصرت خواهم داد. اینک تو را گردون نیز نو دندانه‌دار خواهم ساخت و کوه‌ها را پایمال کرده، خرد خواهی نمود و تل‌ها را مثل گاه خواهی ساخت. آن‌ها را خواهی افشانند و باد آن‌ها را برداشته، گردباد آن‌ها را پراکنده خواهد ساخت. لیکن تو از خداوند شادمان خواهی شد و به قدّوس اسرائیل فخر خواهی نمود.

فقیران و مسکینان آب را می‌جویند و نمی‌یابند و زبان ایشان از تشنگی خشک می‌شود. من که یهوه هستم ایشان را اجابت خواهم نمود. خدای اسرائیل هستم. ایشان را ترک نخواهم کرد. بر تل‌های خشک نهرها و در میان وادی‌ها چشمه‌ها جاری خواهم نمود. بیابان را به برکه‌ی آب و زمین خشک را به چشمه‌های آب مبدل خواهم ساخت. در بیابان سرو آزاد و شطیم و آس و درخت زیتون را خواهم گذاشت و در صحرا صنوبر و کاج

و چنار را با هم غرس خواهم نمود. تا ببینند و بدانند و تفکر نموده، با هم تأمل نمایند که دست خداوند این را کرده و قنوس اسرائیل این را ایجاد نموده است.

خداوند می‌گوید: دعوی خود را پیش آورید و پادشاه یعقوب می‌گوید: براهین قوی خویش را عرضه دارید. آن چه را که واقع خواهد شد نزدیک آورده، برای ما اعلام نمایند. چیزهای پیشین را و کیفیت آن‌ها را بیان کنید تا تفکر نموده، آخر آن‌ها را بدانیم یا چیزهای آینده را به ما بشنوانید و چیزها را که بعد از این واقع خواهد شد بیان کنید تا بدانیم که شما خدایانید. باری، نیکویی یا بدی را به جا آورید تا ملتفت شده، با هم ملاحظه نماییم. اینک شما ناچیز هستید و عمل شما هیچ است و هر که شما را اختیار کند رجس است. کسی را از شمال برانگیختم و او خواهد آمد و کسی را از مشرق آفتاب که اسم مرا خواهد خواند و او بر سروران مثل برگل خواهد آمد و مانند کوزه‌گری که گل را پایمال می‌کند. کیست که از ابتدا خبر داد تا بدانیم، و از قبل تا بگوییم که او راست است؟ البته خبر دهنده‌ای نیست و اعلام کننده‌ای نی و کسی هم نیست که سخنان شما را بشنود. اول به صهیون گفتم که اینک هان این چیزها خواهد رسید و به اورشلیم بشارت دهنده‌ای بخشیدم. نگرستم و کسی یافت نشد و در میان ایشان نیز مشورت دهنده‌ای نبود که چون از ایشان سؤال نمایم جواب تواند داد. اینک جمیع ایشان باطلند و اعمال ایشان هیچ است و بت‌های ریخته شده ایشان باد و بطالت است.

بندهی خدا

اینک بنده من که او را دستگیری نمودم و برگزیده من که جانم از او خشنود است! من روح خود را بر او می‌نهم تا انصاف را برای امت‌ها صادر سازد. او فریاد نخواهد زد و آواز خود را بلند نخواهد نمود و آن را در کوچه‌ها نخواهد شنواید. نی خرد شده را نخواهد شکست و فتیله‌ی ضعیف را خاموش نخواهد ساخت تا عدالت را به راستی صادر گرداند. او ضعیف نخواهد گردید و منکسر نخواهد شد تا انصاف را بر زمین قرار دهد و جزیره‌ها منتظر شریعت او باشند. خدای یهوه که آسمان‌ها را آفرید و آن‌ها را پهن کرد و زمین و نتایج آن را گسترانید و نفس را به قومی که در آن باشند و روح را بر آنانی که در آن سالکند می‌دهد، چنین می‌گوید: «من که یهوه هستم تو را به عدالت خوانده‌ام و دست تو را گرفته، تو را نگاه خواهم داشت و تو را عهد قوم و نور امت‌ها خواهم گردانی تا چشمان کوران را بگشایی و اسیران را از زندان و نشینندگان در ظلمت را از محبس بیرون آوری. من یهوه هستم و اسم من همین است. جلال خود را به کسی دیگر و ستایش خویش را به بت‌های تراشیده

نخواهم داد. اینک وقایع نخستین واقع شد و من از چیزهای نو اعلام می‌کنم و قبل از آنکه بوجود آید شما را از آن‌ها خبر می‌دهم.»

سرود ستایش

ای شما که به دریا فرود می‌روید، و ای آنچه در آن است! ای جزیره‌ها و ساکنان آن‌ها سرود نو را به خداوند و ستایش وی را از اقصای زمین بسرایید! صحرا و شهرهایش و قریه‌هایی که اهل قیدار در آن‌ها ساکن باشند آواز خود را بلند نمایند و ساکنان سالع ترمم نموده، از قله کوهها نعره زنند! برای خداوند جلال را توصیف نمایند و تسبیح او را در جزیره‌ها بخوانند! خداوند مثل جبار بیرون می‌آید و مانند مرد جنگی غیرت خویش را برمی‌انگیزاند. فریاد کرده، نعره خواهد زد و بر دشمنان خویش غلبه خواهد نمود. از زمان قدیم خاموش و ساکت مانده، خودداری نمودم. الآن مثل زنی که می‌زاید، نعره خواهد زد و دم زده، آه خواهد کشید. کوه‌ها و تل‌ها را خراب کرده، تمامی گیاه آن‌ها را خشک خواهم ساخت و نهرها را جزایر خواهم گردانید و برکه‌ها را خشک خواهم ساخت و کوران را به راهی که ندانسته‌اند رهبری نموده، ایشان را به طریق‌هایی که عارف نیستند هدایت خواهم نمود. ظلمت را پیش ایشان به نور و کجی را به راستی مبدل خواهم ساخت. این کارها را به‌جا آورده، ایشان را رها نخواهم نمود. آنانی که بر بت‌های تراشیده اعتماد دارند و به اصنام ریخته شده می‌گویند که خدایان ما شمايید، به عقب برگردانیده، بسیار خجل خواهند شد.

کوری و کوری اسرائیل

ای کران بشنوید و ای کوران نظر کنید تا ببینید. کیست که مثل بنده من کور باشد و کیست که کر باشد مثل رسول من که می‌فرستم؟ کیست که کور باشد، مثل مسلم من و کور مانند بنده‌ی خداوند؟ چیزهای بسیار می‌بینی اما نگاه نمی‌داری. گوش‌ها را می‌گشاید لیکن خود نمی‌شنود. خداوند را به خاطر عدل خود پسند آمد که شریعت خویش را تعظیم و تکریم نماید. لیکن اینان قوم غارت و تاراج شده‌اند و جمیع ایشان در حفره‌ها صید شده و در زندان‌ها مخفی گردیده‌اند. ایشان غارت شده‌اند و رهاننده‌ای نیست. تاراج گشته‌اند و کسی نمی‌گوید که باز ده. کیست در میان شما که به این گوش دهد و توجه نموده، برای زمان آینده بشنود؟ کیست که یعقوب را به تاراج و اسرائیل را به غارت تسلیم نمود؟ آیا خداوند نبود که به او گناه ورزیدیم چون‌که ایشان به راه‌های او نخواستند سلوک نمایند و شریعت او را اطاعت ننمودند؟ بنابراین حدت غضب خود

و شدت جنگ را بر ایشان ریخت و آن ایشان را از هر طرف مشتعل ساخت و ندانستند و ایشان را سوزانید اما تفکر نمودند .

خدایان بابل

بیل خم شده و نَبُو منحنی گردیده بت‌های آن‌ها بر حیوانات و بهایم نهاده شد. آن‌هایی که شما برمی‌داشتید حمل گشته و بار حیوانات ضعیف شده است. آن‌ها جمیعاً منحنی و خم شده، آن بار را نمی‌توانند رها کنید بلکه خود آن‌ها به اسیری می‌روند. ای خاندان یعقوب و تمامی بقیه‌ی خاندان اسرائیل که از بطن بر من حمل شده و از رحم برداشته من بوده‌اید! و تا به پیری شما من همان هستم و تا به شیخوخت من شما را خواهم برداشت. من آفریدم و من برخواهم داشت و من حمل کرده، خواهم رها کنید. مرا با که شبیه و مساوی می‌سازید و مرا با که مقابل می‌نمایید تا مشابه شویم؟ آنانی که طلا را از کیسه می‌ریزند و نقره را به میزان می‌سنجند، زرگری را اجیر می‌کنند تا خدایی از آن بسازد پس سجده کرده، عبادت نیز می‌نمایند. آن را بر دوش برداشته، می‌برند و به جایش می‌گذارند و او می‌ایستد و از جای خود حرکت نمی‌تواند کرد. نزد او استغاثه هم می‌نمایند اما جواب نمی‌دهد و ایشان را از تنگی ایشان نتواند رها کنید.

این را به یاد آورید و مردانه بکوشید و ای عاصیان آن را در دل خود تفکر نمایید! چیزهای اول را از زمان قدیم به یاد آورید. زیرا من قادر مطلق هستم و دیگری نیست. خدا هستم و نظیر من نی. آخر را از ابتدا و آنچه را که واقع نشده از قدیم بیان می‌کنم و می‌گویم که اراده من برقرار خواهد ماند و تمامی مسرت خویش را به‌جا خواهم آورد. مرغ شکاری را از مشرق و هم مشورت خویش را از جای دور می‌خوانم. من گفتم و البته به‌جا خواهم آورد و تقدیر نمودم و البته به وقوع خواهم رسانید. ای سختدلان که از عدالت دور هستید مرا بشنوید. عدالت خود را نزدیک آوردم و دور نمی‌باشد و نجات من تأخیر نخواهد نمود و نجات را به جهت اسرائیل که جلال من است در صهیون خواهم گذاشت.

نابودی بابل

ای باکره دختر بابل فرود شده، بر خاک‌بنشین و ای دختر کلدانیان بر زمین بی‌کرسی بنشین زیرا تو را دیگر نازنین و لطیف نخواهند خواند. دستاس را گرفته، آرد را خرد کن. نقاب را برداشته، دامنت را بر کش و ساقها را برهنه کرده، از نهرها عبور کن. عورت تو کشف شده، رسوایی تو ظاهر خواهد شد. من انتقام کشیده، بر احدی شفقت نخواهم نمود. اما نجات دهنده ما اسم او یهوه صباپوت و قدوس اسرائیل می‌باشد. ای دختر

کلدانیان خاموش بنشین و به ظلمت داخل شو زیرا که دیگر تو را ملکه ممالک نخواهند خواند. بر قوم خود خشم نموده و میراث خویش را بی حرمت کرده، ایشان را به دست تو تسلیم نمودم. بر ایشان رحمت نکرده، یوغ خود را بر پیران بسیار سنگین ساختی و گفתי تا به ابد ملکه خواهم بود و این چیزها را در دل خود جا ندادی و عاقبت آن‌ها را به یاد نیاوردی.

پس الان ای که در عسرت بسر می‌بری و در اطمینان ساکن هستی این را بشنو. ای که در دل خود می‌گویی من هستم و غیر از من دیگری نیست و بیوه نخواهم شد و بی‌اولادی را نخواهم دانست. پس این دو چیز یعنی بی‌اولادی و بیوه‌گی بگفته در یک روز به تو عارض خواهد شد و با وجود کثرت سحر تو و افراط افسونگری زیاد تو آن‌ها بشدت بر تو استیلا خواهد یافت. زیرا که بر شرارت خود اعتماد نموده، گفתי کسی نیست که مرا ببیند. و حکمت و علم تو، تو را گمراه ساخت و در دل خود گفתי: من هستم و غیر از من دیگری نیست. پس بلایی که افسون آن را نخواهی دانست بر تو عارض خواهد شد و مصیبتی که به دفع آن قادر خواهی شد، تو را فرو خواهد گرفت و هلاکتی که ندانسته‌ای ناگهان بر تو استیلا خواهد یافت. پس در افسونگری خود و کثرت سحر خویش که در آن‌ها از طفولیت مشقت کشیده‌ای قائم باش شاید که منفعت توانی برد و شاید که غالب توانی شد. از فراوانی مشورت‌هایت خسته شده‌ای؛ پس تقسیم‌کنندگان افلاک و رصد بندگان کواکب و انانی که در غره‌ی ماه‌ها اخبار می‌دهند بایستند و تو را از آنچه بر تو واقع شدنی است نجات دهند. اینک مثل کامبئن شده، آتش ایشان را خواهد سوزانید که خویشتن را از سورت (شدت) زیاده آن نخواهند رهانید و آن اخگری که خود را نزد آن گرم سازند و آتشی که در برابرش بنشینند نخواهد بود. انانی که از ایشان مشقت کشیدی برای تو چنین خواهند شد و انانی که از طفولیت با تو تجارت می‌کردند هر کس به‌جای خود آواره خواهد گردید و کسی که تو را رهایی دهد نخواهد بود.

سخت‌گیری اسرائیل

ای خاندان یعقوب که به نام اسرائیل مسمی هستید و از آب یهودا صادر شده‌اید، و به اسم یهوه قسم می‌خورید و خدای اسرائیل را ذکر می‌نمایید، اما نه به صداقت و راستی، این را بشنوید. زیرا که خویشتن را از شهر مقدس می‌خوانند و بر خدای اسرائیل که اسمش یهوه صباپوت است اعتماد می‌دارند. چیزهای اول را از قدیم اخبار کردم و از دهان من صادر شده، آن‌ها را اعلام نمودم بگفته به عمل آوردم و واقع شد. چون که دانستم که تو سخت دل هستی و گردنت بند آهنین و پیشانی تو برنجین است. بنابراین تو

را از قدیم مخبر ساختم و قبل از وقوع تو را اعلام نمودم. مبدا بگویی که بت من آنها را به جا آورده و بت تراشیده و صنم ریخته شده‌ی من آنها را امر فرموده است. چون که همه این چیزها را شنیدی، آنها را ملاحظه نما. پس آیا شما اعتراف خواهید کرد؟ از این زمان چیزهای تازه را به شما اعلام نمودم و چیزهای مخفی را که ندانسته بودید. در این زمان و نه در ایام قدیم آنها آفریده شد و قبل از امروز آنها را نشنیده بودی، مبدا بگویی اینک این چیزها را می‌دانستم. البته نشنیده و هر آینه ندانسته و البته گوش تو قبل از این باز نشده بود. زیرا می‌دانستم که بسیار خیانتکار هستی و از رحم مادرت عاصی خوانده شدی. به خاطر اسم خود غضب خویش را به تأخیر خواهم انداخت و به خاطر جلال خویش بر تو شفقت خواهم کرد تا تو را منقطع نسازم. اینک تو را قال گذاشتم اما نه مثل نقره و تو را در کوره مصیبت آزمودم. به خاطر ذات خود، به خاطر ذات خود این را می‌کنم زیرا که نام من چرا باید بی‌حرمت شود؟ جلال خویش را به دیگری نخواهم داد.

آزادی اسرائیل

ای یعقوب و ای دعوت شده من اسرائیل بشنو! من او هستم! من اول هستم و آخر هستم! به تحقیق دست من بنیاد زمین را نهاد و دست راست من آسمانها را گسترانید. وقتی که آنها را می‌خوانم با هم برقرار می‌باشند. پس همگی شما جمع شده، بشنوید کیست از ایشان که اینها را اخبار کرده باشد. خداوند او را دوست می‌دارد، پس مسرت خود را بر بابل بهجا خواهد آورد و بازوی او بر کلدانیان فرود خواهد آمد. من تکلم نمودم و من او را خواندم و او را آوردم تا راه خود را کامران سازد. به من نزدیک شده، این را بشنوید. از ابتدا در خفا تکلم ننمودم و از زمانی که این واقع شد من در آن جا هستم و الآن خداوند یهوه مرا و روح خود را فرستاده است.

خداوند که ولی تو و قدوس اسرائیل است چنین می‌گوید: من یهوه خدای تو هستم و تو را تعلیم می‌دهم تا سود ببری و تو را به راهی که باید بروی هدایت می‌نمایم. کاش که به اوامر من گوش می‌دادی، آنگاه سلامتی تو مثل نهر و عدالت تو مانند امواج دریا می‌بود. آنگاه ذریه تو مثل ریگ و ثمره صلب تو مانند ذرات آن می‌بود و نام او از حضور من منقطع و هلاک نمی‌گردید. از بابل بیرون شده، از میان کلدانیان بگریزید و این را به آواز ترم اخبار و اعلام نمایید و آن را تا اقصای زمین شایع ساخته، بگویید که خداوند بنده‌ی خود یعقوب را فدیه داده است. تشنه نخواهند شد اگر چه

ایشان را در ویرانه‌ها رهبري نماید، زیرا که آب از صخره برای ایشان جاری خواهد ساخت و صخره را خواهد شکافت تا آب‌ها بجوشد. خداوند می‌گوید که برای شریران سلامتی نخواهد بود.

بنده و خادم خدا

ای جزیره‌ها از من بشنوید! و ای طوایف از جای دور گوش دهید! خداوند مرا از رحم دعوت کرده و از احشای مادرم اسم مرا ذکر نموده است و دهان مرا مثل شمشیر تیز ساخته، مرا زیر سایه‌ی دست خود پنهان کرده است و مرا تیر صیقلی ساخته در ترکش خود مخفی نموده است. و مرا گفت: ای اسرائیل تو بنده‌ی من هستی که از تو خویشتن را تمجید نموده‌ام! اما من گفتم که عبث زحمت کشیدم و قوت خود را بی‌فایده و باطل صرف کردم؛ لیکن حق من با خداوند و اجرت من با خدای من می‌باشد. و الآن خداوند که مرا از رحم برای بنده‌گی خویش سرشت تا یعقوب را نزد او بازآورد و تا اسرائیل نزد وی جمع شوند می‌گوید در نظر خداوند محترم هستم و خدای من قوت من است؛ پس می‌گوید: این چیز قلبی است که بنده‌ی من بشوی تا اسباط یعقوب را برپا کنی و ناجیان اسرائیل را باز آوری. بلکه تو را نور امت‌ها خواهم گردانید و تا اقصای زمین نجات من خواهی بود. خداوند که ولی و قدوس اسرائیل می‌باشد، به او که نزد مردم محقر و نزد امت‌ها مکروه و بنده‌ی حاکمان است چنین می‌گوید: پادشاهان دیده برپا خواهند شد و سروران سجده خواهند نمود، به سبب خداوند که امین است و قدوس اسرائیل که تو را برگزیده است.

تفقد از اسرائیل

خداوند چنین می‌گوید: در زمان رضامندی تو را اجابت نمودم و در روز نجات تو را اعانت کردم. تو را حفظ نموده عهد قوم خواهم ساخت تا زمین را معمور سازی و نصیب‌های خراب شده را به ایشان تقسیم نمایم. و به اسیران بگویی: بیرون روید و به آنانی که در ظلمتند خویشتن را ظاهر سازید. ایشان در راهها خواهند چرید و مرتع‌های ایشان بر همه صحراهای کوهی خواهد بود. گرسنه و تشنه نخواهند بود و حرارت و آفتاب به ایشان ضرر نخواهد رسانید زیرا آن که بر ایشان ترحم دارد ایشان را هدایت خواهد کرد و نزد چشمه‌های آب ایشان را رهبري خواهد نمود و تمامی کوه‌های خود را طریق‌ها خواهم ساخت و راه‌های من بلند خواهد شد. اینک بعضی از جای دور خواهند آمد و بعضی از شمال و از مغرب و بعضی از دیار سینیم.

– اي آسمان‌ها ترّم كنيد! اي زمين وجد نما! و اي كوه‌ها آواز شادمانی دهيد! زيرا خداوند قوم خود را تسلي مي‌دهد و بر مظلومان خود ترحم مي‌فرمايد.

اما صهيون مي‌گويد: «يهوه مرا ترك نموده و خداوند مرا فراموش کرده است.» آيا زن بچه شير خواره خود را فراموش کرده‌بر پسر رحم‌خويش ترحم ننمايد؟ اينان فراموش مي‌كنند اما من تو را فراموش نخواهم نمود. اينك تو را بر كف دست‌هاي خود نقش نمودم و حصارهايت دائماً در نظر من است. پسرانت به تعجيل خواهند آمد و آناني كه تو را خراب و ويران كردند از تو بيرون خواهند رفت. چشمان خود را به هر طرف بلند کرده، ببين جميع اين‌ها جمع شده، نزد تو مي‌آيند. خداوند مي‌گويد به حيات خودم قسم كه خود را به جميع اين‌ها مثل زيور ملبس خواهي ساخت و مثل عروس خويشتن را به آن‌ها خواهي آراست. زيرا خرابه‌ها و ويرانه‌هاي تو و زمين تو كه تباه شده بود، اما الان تو از كثرت ساكنان تنگ خواهي شد و هلاك‌كننده‌گانت دور خواهند گرديد. پسران تو كه بي‌اولاد مي‌بودي، در سمع تو به يكديگر خواهند گفت: اين مكان براي من تنگ است، مرا جايي بده تا ساكن شوم و تو دردل خود خواهي گفت: كيست كه اينها را براي من زاييده است حال آن كه من بي‌اولاد و نازاد و جلالي وطن و متروك مي‌بودم. پس كيست كه اين‌ها را پرورش داد. اينك من به تنهائي ترك شده بودم پس اين‌ها كجا بودند؟

خداوند يهوه چنين مي‌گويد: اينك من دست خود را بسوي امت‌ها دراز خواهم كرد و علم خويش را به سوي قوم‌ها خواهم برافراشت و ايشان پسرانت را در آغوش خود خواهند آورد و دخترانت بر دوش ايشان برداشته خواهند شد و پادشاهان لالاهاي تو و ملكه‌هاي ايشان دايه‌هاي تو خواهند بود و نزد تو رو به زمين افتاده، خاك پاي تو را خواهند ليسان و تو خواهي دانست كه من يهوه هستم و آناني كه منتظر من باشند خجل نخواهند گرديد. آيا غنيمت از جبار گرفته شود يا اسيران از مرد قاهر رهاننده گرند. زيرا خداوند چنين مي‌گويد: اسيران نيز از جبار گرفته خواهند شد و غنيمت از دست ستم پيشه رهاننده خواهد گرديد. زيرا كه من با دشمنان تو مقاومت خواهم نمود و من پسران تو را نجات خواهم داد و به آناني كه بر تو ظلم نمايند گوشت خودشان را خواهم خورانيد و به خون خود مثل شراب مست خواهند شد و تامي بشر خواهند دانست كه من يهوه نجات‌دهنده تو و ولي تو و قدير يعقوب هستم.

گناه اسرائيل

خداوند چنین می‌گوید: طلاق نامه مادر شما که او را طلاق دادم کجا است؟ یا کیست از طلبکاران من که شما را به او فروختم؟ اینک شما به سبب گناهان خود فروخته شدید و مادر شما به جهت تقصیرهای شما طلاق داده شد. چون آدم چرا کسی نبود؟ و چون ندا کردم چرا کسی جواب نداد؟ آیا دست من به هیچ وجه کوتاه شده که نتواند نجات دهد یا در من قدرتی نیست که رهایی دهم؟ اینک به عتاب خود دریا را خشک می‌کنم و نهرها را بیابان می‌سازم که ماهی آنها از بی‌آبی متعفن شود و از تشنگی بمیرد. آسمان را به ظلمت ملبس می‌سازم و پلاس را پوشش آن می‌گردانم.»

خداوند یهوه زبان تلامیذ را به من داده است تا بدانم که چگونه خسته‌گان را به کلام تقویت دهم. هر بامداد بیدار می‌کند. گوش مرا بیدار می‌کند تا مثل تلامیذ بشنوم. خداوند یهوه گوش مرا گوشود و مخالفت نکردم و به عقب برنگشتم. پشت خود را به زنده‌گان و رخسار خود را به مؤکنان دادم و روی خود را از رسوایی و آب دهان پنهان نکردم. چون که خداوند یهوه مرا اعانت می‌کند، پس رسوا نخواهم شد، از این جهت روی خود را مثل سنگ خارا ساختم و می‌دانم که خجل نخواهم گردید. آنکه مرا تصدیق می‌کند نزدیک است. پس کیست که با من مخاصمه نماید تا با هم بایستیم و کیست که بر من دعوی نماید؟ پس او نزدیک من بیاید. اینک خداوند یهوه مرا اعانت می‌کند؛ پس کیست که مرا ملزم سازد؟ همانا همگی ایشان مثل رخت مندرس شده، بید ایشان را خواهد خورد. کیست از شما که از خداوند می‌ترسد و آواز بنده‌ی او را می‌شنود؟ هر که در ظلمت سالک باشد و روشنایی ندارد به اسم یهوه توکل نماید و به خدای خویش اعتماد بکند. هان جمیع شما که آتش می‌افروزید و کمر خود را به مشعل‌ها می‌بندید، در روشنایی آتش خویش و در مشعل‌هایی که خود افروخته‌اید سالک باشید، اما این از دست من به شما خواهد رسید که در اندوه خواهید خوابید.

ای پیروان عدالت و طالبان خداوند مرا بشنوید! به صخره‌ای که از آن قطع گشته و به حفره‌ی چاهی که از آن کنده شده‌اید نظر کنید. به پدر خود ابراهیم و به ساره که شما را زایید نظر نمایید زیرا او یک نفر بود حینی که او را دعوت نمودم و او را برکت داده، کثیر گردانیدم. به تحقیق خداوند صهیون را تسلی داده، تمامی خرابه‌هایش را تسلی بخشیده است و بیابان او را مثل عدن و هامون او را مانند جنت خداوند ساخته است. خوشی و شادی در آن یافت می‌شود و تسبیح و آواز ترنم.

– ای قوم من به من توجه نمایید و ای طایفه‌ی من به من گوش دهید. زیرا که شریعت از نزد من صادر می‌شود و داوری خود را برقرار می‌کنم تا قوم‌ها را روشنایی بشود. عدالت من نزدیک است و نجات من ظاهر شده، بازوی من قوم‌ها را داوری خواهد نمود و جزیره‌ها منتظر من شده، به

بازوي من اعتماد خواهند کرد. چشمان خود را بسوي آسمان برافرازيد و پايين به سوي زمين نظر کنيد زيرا که آسمان مثل دود از هم خواهد پاشيد و زمين مثل جامه مندرس خواهد گرديد و ساکنانش همچنين خواهند مرد. اما نجات من تا به ابد خواهد ماند و عدالت من زایل نخواهد گرديد.

– اي شما که عدالت را مي‌شناسيد! و اي قومي که شريعت من در دل شما است! مرا بشنويد. از مذمت مردمان مترسيد و از دشنام ايشان هراسان مشويد. زيرا که بيد ايشان را مثل جامه خواهد زد و کرم ايشان را مثل پشم خواهد خورد اما عدالت من تا ابدالابد و نجات من نسل بعد نسل باقي خواهد ماند. بيدار شو اي بازوي خداوند، بيدار شو و خويشتن را با قوت ملبس ساز. مثل ايام قدیم و دوره‌هاي سلف بيدار شو. آیا تو آن نيستی که رهب را قطع نموده، اژدها را مجروح ساختی. آیا تو آن نيستی که دريا و آب‌هاي لجه عظيم را خشک کردی و عمق‌هاي دريا را راه ساختی تا فديه شدهگان عبور نمايند؟ فديه شدهگان خداوند بازگشت نموده، با ترثم به صهيون خواهند آمد و خوشي جاوداني بر سر ايشان خواهد بود و شادمانی و خوشي را خواهند يافت و غم و ناله فرار خواهد کرد. من هستم، من که شما را تسلي مي‌دهم. پس تو کيستی که از انساني که مي‌ميرد مي‌ترسي و از پسر آدم که مثل گياه خواهد گرديد؟ و خداوند را که آفريننده تو است که آسمان‌ها را گسترانيد و بنياد زمين را نهاد فراموش کرده‌اي و دائماً تمامی روز از خشم ستمکار وقتي که به جهت هلاک کردن مهيا مي‌شود مي‌ترسي؟ خشم ستمکار کجا است؟ اسيران دليل به زودي رها خواهند شد و در حفره نخواهند مرد و نان ايشان کم نخواهد شد. زيرا من يهوه خدای تو هستم که دريا را به تلاطم مي‌آورم تا امواجش نعره زنند، يهوه صبايوت اسم من است. و من کلام خود را در دهان تو گذاشتم و تو را زیر سایه دست خويش پنهان کردم تا آسمان‌ها غرس نمايم و بنياد زميني نهم و صهيون را گويم که تو قوم من هستی.

کاسه‌ی دُرد سرگيجی

خويشتن را برانگيز اي اورشليم! خويشتن را برانگيخته، برخيز! اي که از دست خداوند کاسه‌ی غضب او را نوشيدي و دُرد کاسه سرگيجي را نوشيده، آن را تا ته آشاميدي. از جميع پسراني که زاييده است يکي نيست که او را رهبري کند و از تمامی پسراني که تربيت نموده، کسي نيست که او را دستگيري نمايد. اين دو بلا بر تو عارض خواهد شد؛ کيست که براي تو ماتم کند؟ يعني خرابي و هلاکت و قحط و شمشير، پس چه‌گونه تو را تسلي دهيم. پسران تو را ضعف گرفته، به سر همه کچه‌ها مثل آهو در دام خوابيده‌اند. و ايشان از غضب خداوند و از عتاب خدای تو مملو شده‌اند. پس اي زحمت کشيده اين را بشنو! و اي مست شده اما نه از شراب!

خداوند تو بیهوده و خدای تو که در دعوی قوم خود ایستادگی می‌کند چنین می‌گوید: اینک کاسه سرگیجی را و دُرد کاسه غضب خویش را از تو خواهم گرفت و آن را بار دیگر نخواهی آشامید. و آن را به دست آنانی که بر تو ستم می‌نمایند می‌گذارم که به جان تو می‌گویند: خم شو تا از تو بگذریم و تو پشت خود را مثل زمین و مثل کوچه به جهت راه گذران گذاشته‌ای.

جلال آینده‌ی صهیون

ای عاقره‌ای که نزا بیده‌ای بسرا! ای که درد زه نکشیده‌ای به آواز بلند ترنم نما و فریاد برآور! زیرا خداوند می‌گوید پسران زن بی‌کس از پسران زن منکوحه زیاده‌اند. مکان خیمه خود را وسیع گردان و پرده‌های مسکن‌های تو پهن بشود دریغ مدار. طناب‌های خود را دراز کرده، میخ‌هایت را محکم بساز. زیرا که به طرف راست و چپ منتشر خواهی شد و ذریت تو امت‌ها را تصرف خواهند نمود و شهرهای ویران را مسکون خواهند ساخت. مترس زیرا که خجل نخواهی شد و مشوش مشو زیرا که رسوا نخواهی گردید. چون که خجالت جوانی خویش را فراموش خواهی کرد و عار بیوه‌گی خود را دیگر به یاد نخواهی آورد. زیرا که آفریننده‌ی تو که اسمش یهوه صباپوت است شوهر تو است، و قدوس اسرائیل که به خدای تمام جهان مسمی است ولی تو می‌باشی. زیرا خداوند تو را مثل زن مهجور و رنجیده دل خوانده است و مانند زوجه‌ی جوانی که ترک شده باشد. خدای تو این را می‌گوید. زیرا تو را به اندک لحظه‌ای ترک کردم اما به رحمت‌های عظیم تو را جمع خواهم نمود. خداوند ولی تو می‌گوید: به جوشش غضبی خود را از تو برای لحظه‌ای پوشانیدم اما به احسان جاودانی بر تو رحمت خواهم فرمود. زیرا که این برای من مثل آب‌های نوح می‌باشد. چنان که قسم خوردم که آب‌های نوح بار دیگر بر زمین جاری نخواهد شد، همچنان قسم خوردم که بر تو غضب نکنم و تو را عتاب ننمایم. هر آینه کوه‌ها زایل خواهد شد و تل‌ها متحرک خواهد گردید، لیکن احسان من از تو زایل نخواهد شد و عهد سلامتی من متحرک نخواهد گردید. خداوند که بر تو رحمت می‌کند این را می‌گوید:

– ای رنجانیده و مضطرب شده که تسلی نیافته‌ای، اینک من سنگ‌های تو را در سنگ سرمه نصب خواهم کرد، بنیاد تو را در یاقوت زرد خواهم نهاد و مناره‌های تو را از لعل و دروازه‌هایت را از سنگ‌های بهرمان و تمامی حدود تو را از سنگ‌های گران قیمت خواهم ساخت و جمیع پسرانت از خداوند تعلیم خواهند یافت و پسرانت را سلامتی عظیم خواهد بود. در عدالت ثابت شده و از ظلم دور مانده، خواهی ترسید و هم از آشفتگی دور خواهی ماند و به تو نزدیکی نخواهد نمود. همانا جمع خواهند شد اما نه به

اذن من. آنانی که به ضدّ تو جمع شوند به سبب تو خواهند افتاد. اینک من آهنگری را که زغال را به آتش دمیده، آلتی برای کار خود بیرون می‌آورد، آفریدم. و من نیز هلاک کننده را برای خراب نمودن آفریدم. هر آلتی که به ضدّ تو ساخته شود، پیش نخواهد برد و هر زبانی را که برای محاکمه به ضدّ تو برخیزد، تکذیب خواهی نمود. این است نصیب بندهگان خداوند و عدالت ایشان از جانب من. خداوند می‌گوید.

آن‌ها که مرا یافتند

آنانی که مرا طلب نمودند مرا جستند و آنانی که مرا نطلبیدند مرا یافتند. و به قومی که به اسم من نامیده نشدند گفتم لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ. تمامی روز دست‌های خود را به‌سوی قوم متمرّدی که موافق خیالات خود به راه ناپسندیده سلوک می‌نمودند دراز کردم. قومی که پیش رویم غضب مرا همیشه به هیجان می‌آوردند، که در باغات قربانی می‌گذرانند و بر آجرها بخور می‌سوزانند، که در قبرها ساکن شده، در مغاره‌ها منزل دارند، که گوشت خنزیر می‌خورند و خورش نجاسات در ظروف ایشان است. که می‌گویند: در جای خود بایست و نزدیک من میا زیرا که من از تو مقدّس‌تر هستم. اینان دود در بینی من می‌باشند و آتشی که تمامی روز مشتعل است. همانا این پیش من مکتوب است. پس ساکت نخواهم شد بلکه پاداش خواهم داد و به آغوش ایشان مکافات خواهم رسانید. خداوند می‌گوید درباره‌ی گناهان شما و گناهان پدران شما با هم که بر کوه‌ها بخور سوزانیدید و مرا بر تل‌ها اهانت نمودید پس جزای اعمال شما را اول به آغوش شما خواهم رسانید.

خداوند چنین می‌گوید: چنان که شیره در خوشه یافت می‌شود و می‌گویند آن را فاسد مساز زیرا که برکت در آن است، همچنان به خاطر بندهگان خود عمل خواهم نمود تا ایشان را بالکل هلاک نسازم. بلکه نسلی از یعقوب و وارثی برای کوه‌های خویش از یهودا به ظهور خواهم آورد و برگزیده‌گانم ورثه آن و بندهگانم ساکن آن خواهند شد. شارون، مرتع گله‌ها و وادی عاکور، خوابگاه رمه‌ها به جهت قوم من که مرا طلبیده‌اند، خواهد شد. و اما شما که خداوند را ترك کرده و کوه مقدّس مرا فراموش نموده‌اید، و مانده‌ای به جهت پخت مهیّا ساخته و شراب ممزوج به جهت اتفاق ریخته‌اید، پس شما را به جهت شمشیر مقدّر ساختم و جمیع شما برای قتل خم خواهید شد زیرا که چون خواندم جواب ندادید و چون سخن گفتم نشنیدید و آن چه را که در نظر من ناپسند بود به عمل آوردید و آنچه را که نخواستم برگزیدید. بنابراین خداوند یهوه می‌گوید: هان بندهگان من

خواهند خورد اما شما گرسنه خواهید بود. اینک بندهگانم خواهند نوشید اما شما تشنه خواهید بود. همانا بندگانم شادی خواهند کرد اما شما خجل خواهید گردید. اینک بندگانم از خوشی دل، ترنم خواهند نمود، اما شما از کدورت دل، فریاد خواهید نمود و از شکستگی روح ولوله خواهید کرد و نام خود را برای برگزیدگان من به جای لعنت، ترک خواهید نمود پس خداوند یهوه تو را به قتل خواهد رسانید و بندگان خویش را به اسم دیگر خواهد نامید. پس هرکه خویشان را بروی زمین برکت دهد، خویشان را به خدای حق برکت خواهد داد؛ و هرکه به روی زمین قسم خورد به خدای حق قسم خواهد خورد. زیرا که تنگی‌های اولین فراموش شده و از نظر من پنهان گردیده است.

آسمان و زمین جدید

زیرا اینک من آسمانی جدید و زمینی جدید خواهم آفرید و چیزهای پیشین بیاد نخواهد آمد و بخاطر نخواهد گذشت. بلکه از آنچه من خواهم آفرید، شادی کنید و تا به ابد وجد نمایید زیرا اینک اورشلیم را محلّ وجد و قوم او را محلّ شادمانی خواهم آفرید و از اورشلیم وجد خواهم نمود و از قوم خود شادی خواهم کرد و آواز گریه و آواز ناله بار دیگر در او شنیده نخواهد شد و بار دیگر طفل کم روز از آنجا نخواهد بود و نه مرد پیر که عمر خود را به اتمام نرسانیده باشد؛ زیرا که طفل در سنّ صد سالگی خواهد مرد لیکن گناهکار صد ساله ملعون خواهد بود. خانه‌ها بنا کرده، در آن‌ها ساکن خواهند شد و تاکستان‌ها غرس نموده، میوه‌ی آن‌ها را خواهند خورد. بنا خواهند کرد تا دیگران سکونت نمایند و آن چه را که غرس می‌نمایند دیگران نخواهند خورد. زیرا که ایام قوم من مثل ایام درخت خواهد بود و برگزیدهگان من از عمل دست‌های خود تمتع خواهند برد. زحمت بی‌جا نخواهند کشید و اولاد به جهت اضطراب نخواهند زایید زیرا که اولاد برکت یافته‌گان خداوند هستند و ذریّت ایشان با ایشانند. قبل از آن که بخوانند من جواب خواهم داد و پیش از آنکه سخن گویند من خواهم شنید. گرگ و بره با هم خواهند چرید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد و خوراک مار خاك خواهد بود. خداوند می‌گوید که در تمامی کوه مقدّس من، ضرر نخواهند رسانید و فساد نخواهند نمود.

داوری و امید

خداوند چنین می‌گوید: آسمان‌ها کرسی من و زمین پای انداز من است، پس خانه‌ای که برای من بنا می‌کنید کجا است؟ و مکان آرام من کجا؟ خداوند می‌گوید: دست من همه این چیزها را ساخت. پس جمیع این‌ها به

وجود آمد؛ اما به این شخص که مسکین و شکسته دل و از کلام من لرزان باشد نظر خواهم کرد. کسی که گاوی ذبح نماید مثل قاتل انسان است و کسی که گوسفندی ذبح کند مثل شخصی است که گردن سگ را بشکند و آن که هدیه‌ای بگذراند مثل کسی است که خون خنزیری را بریزد و آن که بخور بسوزاند مثل شخصی است که بتی را تبریک نماید و ایشان راه‌های خود را اختیار کرده‌اند و جان ایشان از رجاسات خودشان مسرور است. پس من نیز مصیبت‌های ایشان را اختیار خواهم کرد و ترس‌های ایشان را بر ایشان عارض خواهم گردانید، زیرا چون خواندم کسی جواب نداد و چون تکلم نمودم ایشان نشنیدند بلکه آنچه را که در نظر من ناپسند بود به عمل آوردند و آنچه را که نخواستم اختیار کردند. ای آنانی که از کلام خداوند می‌لرزید سخن او را بشنوید. برادران شما که از شما نفرت دارند و شما را بخاطر اسم من از خود می‌رانند می‌گویند: خداوند تمجید کرده شود تا شادی‌شما را ببینم، لیکن ایشان خجل خواهند شد. آواز غوغا از شهر، صدایی از هیکل، آواز خداوند است که به دشمنان خود مکافات می‌رساند. قبل از آنکه درد زه بکشد، زایید. پیش از آن که درد او را فرو گیرد اولاد نرینه‌ای آورد. کیست که مثل این را شنیده و کیست که مثل این را دیده باشد؟ آیا ولایتی در یک روز مولود گردد و قومی یکدفعه زاییده شود؟ زیرا صهیون به مجرد درد زه کشیدن پسران خود را زایید. خداوند می‌گوید: آیا من به فم رحم برسانم و نزایانم؟ خدای تو می‌گوید: «آیا من که زایاننده هستم رحم را ببندم؟ ای همه آنانی که اورشلیم را دوست می‌دارید، با او شادی کنید و برایش وجد نمایید. و ای همه آنانی که برای او ماتم می‌گیرید، با او شادی بسیار نمایید. تا از پستان‌های تسلیات او بمکید و سیر شوید و بدوشید و از فراوانی جلال او محظوظ گردید. زیرا خداوند چنین می‌گوید: اینک من سلامتی را مثل نهر و جلال امت‌ها را مانند نهر سرشار به او خواهم رسانید و شما خواهید مکید و در آغوش او برداشته شده، بر زانوهایش به ناز پرورده خواهید شد و مثل کسی که مادرش او را تسلی دهد، همچنین من شما را تسلی خواهم داد و در اورشلیم تسلی خواهید یافت. پس چون این را ببینید دل شما شادمان خواهد شد و استخوان‌های شما مثل گیاه سبز و خرّم خواهد گردید و دست خداوند بر بنده‌گانش معروف خواهد شد اما بر دشمنان خود غضب خواهد نمود. زیرا اینک خداوند با آتش خواهد آمد و ارابه‌های او مثل گردباد تا غضب خود را با حدّت و عتاب خویش را با شعله‌ی آتش به انجام رساند. زیرا خداوند با آتش و شمشیر خود بر تمامی بشر داوری خواهد نمود و مقتولان خداوند بسیار خواهند بود.

خداوند می‌گوید: آنانی که از عقب یک نفر که در وسط باشد خویشتن را در باغات تقدیس و تطهیر می‌نمایند و گوشت خنزیر و رجاسات و گوشت موش می‌خورند با هم تلف خواهند شد. من اعمال و خیالات ایشان را جزا خواهم داد و آمده، جمیع امت‌ها و زبان‌ها را جمع خواهم کرد و ایشان

آمده، جلال مرا خواهند دید و آیتی در میان ایشان برپا خواهم داشت و آنانی را که از ایشان نجات یابند نزد امت‌ها به ترشیش و فُول و تیراندازان لُود و توبال و یونان و جزایر بعیده که آوازه‌ی مرا نشنیده‌اند و جلال مرا ندیده‌اند خواهم فرستاد تا جلال مرا در میان امت‌ها شایع سازند. و خداوند می‌گوید که ایشان جمیع برادران شما را از تمامی امت‌ها بر اسپان و اربه‌ها و تخت روان‌ها و قاطران و شتران به کوه مقدّس من اورشلیم به جهت خداوند هدیه خواهند آورد. چنان که بنی‌اسرائیل هدیه‌ی خود را در ظرف پاک به خانه‌ی خداوند می‌آورند. خداوند می‌گوید که از ایشان نیز کاهنان و لایبان خواهند گرفت. زیرا خداوند می‌گوید: چنان که آسمان‌های جدید و زمین جدیدی که من آن‌ها را خواهم ساخت در حضور من پایدار خواهد ماند، همچنان ذرّیت شما و اسم شما پایدار خواهد ماند. و خداوند می‌گوید که از غُرّه ماه تا غُرّه دیگر و از سَبَّت تا سَبَّت دیگر تمامی بشر خواهند آمد تا به حضور من سجده نمایند. و ایشان بیرون رفته، لاش‌های مردمانی را که بر من عاصی شده‌اند ملاحظه خواهند کرد زیرا کِرْم ایشان نخواهد مُرد و آتش ایشان خاموش نخواهد شد و ایشان نزد تمامی بشر مکروه خواهند بود.